



Feasibility study of regional function of legal documents on exploitation of shared waters

Mersedeh Mazloumi¹ | Elham Aminzadeh²

1. Ph.D. in International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: m.mazloumi@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: eaminzadeh@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	The way of using shared waters has been of great importance for a long time due to the scarcity of these resources and the multitude of beneficiary countries. In such a way that each of the important regions of the world, including Europe, America, Asia, and Africa, have concluded important legal documents and, accordingly, they have prepared specific rules in this regard. Europe due to having a systematic and integrated approach, Africa due to the establishment of multiple water institutions with a consensus decision-making method, Asia due to giving importance to the ecological needs of nature when allocating water resources, and America due to the attention and putting the framework agreement on the agenda. Each of them involved innovations in the management of common water resources; But despite that, important regional documents have not included different legal requirements from each other; Rather, the requirements explained by these documents were common and therefore, the said documents did not have a regional function and each one did not establish unique and separate legal requirements; Rather, all of them have been based on the two important principles of the no-harm and equitable and reasonable utilization.
Pages: -- --	
Received: 2024/02/17 Accepted: 2024/05/10 Published online: 2026/09/19	
Keywords: <i>feasibility study, function, region, legal documents, shared waters.</i>	
How To Cite	Mazloumi, Mersedeh; Aminzadeh, Elham (2025). Feasibility study of regional function of legal documents on exploitation of shared waters. <i>Water and Electricity Law</i> , 2 (2), -- --.
Publisher	Niroom Research Institute.



امکان سنجی کارکرد منطقه‌ای اسناد حقوقی در زمینه چگونگی بهره‌برداری از آب‌های مشترک

مرسده مظلومی^۱ | الهام امین‌زاده^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته مقطع دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.mazloumi@ut.ac.ir
۲. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: eaminzadeh@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	شیوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک به دلیل کمبود این منابع و تعدد کشورهای ذی‌نفع از دیرباز از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که هر یک از مناطق مهم جهان شامل اروپا، آمریکا، آسیا، و آفریقا، اسناد حقوقی مهمی را به انعقاد رسانده‌اند و به تناسب، ضوابط مشخصی را نیز در این خصوص تدبیر نموده‌اند. در این مقاله اسناد مناطق مختلف به روش کتابخانه‌ای و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این میان، اروپا به دلیل دارا بودن رویکرد نظام‌مند و یکپارچه، آفریقا به دلیل تأسیس نهادهای آبی متعدد با شیوه تصمیم‌گیری به روش اتفاق‌آرا، آسیا به دلیل اهمیت دادن به نیازهای بوم‌سازگانی (اکولوژیکی) طبیعت هنگام تخصیص منابع آب، و قاره آمریکا به دلیل در دستور کار قرار دادن قرارداد چهارچوب، هر یک متضمن نوآوری‌هایی در زمینه نحوه مدیریت منابع آبی مشترک بوده‌اند. با این حال، اسناد مهم منطقه‌ای متضمن الزامات حقوقی متفاوتی از یکدیگر نبوده‌اند؛ بلکه الزاماتی را که این اسناد تبیین نموده‌اند، به صورت مشترک بوده و در نتیجه، اسناد مذکور از کارکرد منطقه‌ای برخوردار نبوده‌اند و هر یک الزامات حقوقی منحصر به فرد و جداگانه‌ای را مقرر نموده‌اند. در واقع، تمامی اسناد مزبور حول دو اصل مهم «منع ورود زیان» و «استفاده معقول و منصفانه» قرار داشته‌اند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۶/۲۸	
کلیدواژه‌ها: امکان‌سنجی، کارکرد منطقه‌ای، اسناد حقوقی، آب‌های مشترک، آب‌های مرزی.	
استناد	مظلومی، مرسده؛ امین‌زاده، الهام (۱۴۰۴). امکان‌سنجی کارکرد منطقه‌ای اسناد حقوقی در زمینه چگونگی بهره‌برداری از آب‌های مشترک. حقوق آب و برق، ۲ (۲)، -- --.
ناشر	پژوهشگاه نیرو



۱. مقدمه

بهره‌برداری از آب‌های مشترک و مرزی به دلیل کمبود عمومی منابع آب در جهان، و نیز تعدد کشورهای ذی‌نفع از این منابع آبی مشترک، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این بهره‌برداری دو بعد مدیریت کیفی حقوقی منابع آب، و نیز نحوه تخصیص این منابع را دربرمی‌گیرد. در این میان، بررسی و تحلیل اسناد حقوقی هر یک از مناطق اروپا، آمریکا، آسیا، و آفریقا بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا می‌توان از این طریق، دیدگاه و رویکرد جامعی را نسبت به هر یک از این مناطق ایجاد کرد تا بتوان به یک قابلیت انطباق در مواجهه با قضایایی که در زمینه شیوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک به‌وقوع می‌پیوندد، دست یافت.

باید توجه داشت که هر یک از این مناطق دارای ویژگی برجسته و متمایز خاص خود می‌باشد. به‌عنوان نمونه، اروپا به دلیل برخورداری از رویکرد یکپارچه‌سازی کلیه منابع آبی بسیار حایز اهمیت است؛ زیرا این منطقه کلیه منابع آبی زیرزمینی و سطحی را به‌عنوان یک کل واحد در نظر می‌گیرد و سپس، درخصوص مدیریت حقوقی کیفی و نحوه تخصیص این منابع برنامه‌ریزی می‌کند.

آفریقا به دلیل دارا بودن نهادهای آبی متنوع با شیوه تصمیم‌گیری به‌روش اتفاق آراء، و به طریق تقسیم برابر حایز اهمیت است. اگرچه این منطقه به دلیل فقدان معاهده جامع از خلاء معاهداتی رنج می‌برد و وجود نهادهای آبی متنوع ممکن است منجر به تشتت آراء شود؛ اما به توجه به شرایط خاص قاره مزبور، وجود این نهادهای آبی بهتر از فقدان آنها است و می‌تواند تا حدودی به معضلات موجود در این زمینه خاتمه بخشد.

آسیا نیز به دلیل ایجاد سهم برای نیازهای بوم‌سازگانی (اکولوژیک) طبیعت حایز اهمیت است؛ زیرا به این طریق، طبیعت را می‌توان به‌عنوان ذی‌نفع اصلی قرار داد و این امر منجر به کاهش موارد نقض می‌گردد؛ چرا که در صورت تخلف، کل جامعه بین‌المللی می‌تواند به دلیل نقض تعهدی عام‌الشمول، مدعی گردند.

قاره آمریکا نیز انعقاد قرارداد چهارچوب را که منشا تصویب موافقتنامه‌های حقوقی متعدد قرار می‌گیرد، به‌عنوان راهکاری جهت تصویب موافقتنامه‌های حقوقی جامع‌تر و متقن‌تر در زمینه نحوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک قرار داده است.

به‌رغم این موارد، چالشی که مطرح می‌گردد آن است که الزامات حقوقی در این مناطق از جهان چگونه است و رویه‌های معمول در هر یک از این مناطق، چه الزاماتی را در زمینه نحوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک تبیین می‌دارد؟ در واقع، پرسشی که مطرح می‌شود آن است که آیا اسناد مذکور در هر یک از این مناطق در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک از کارکرد منطقه‌ای برخوردارند؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان در هر یک از این مناطق، الزامات خاص و منحصربه‌فردی را از اسناد مذکور، مورد

استنباط قرار داد؟ در این تحقیق، برای پاسخ به این پرسش به شیوه تحلیلی-توصیفی، اسناد حقوقی چهار قاره جهان شامل اروپا، آمریکا، آفریقا، و آسیا در زمینه نحوه بهره‌برداری از منابع آبی مشترک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در هر یک از این مناطق، اسناد در سه سطح جهان‌شمول، منطقه‌ای، و دو یا چندجانبه، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بنابراین، در این مقاله کنوانسیون‌هایی که در هر یک از چهار منطقه مذکور به شکل جهان‌شمول یافته، منطقه‌ای، و یا دو یا چندجانبه، تنظیم شده‌اند، مورد بررسی و تحلیل واقع می‌شوند.

۲. اروپا

در این بخش از مقاله، کنوانسیون‌هایی که در سطح این منطقه از ویژگی جهان‌شمول برخوردار شده‌اند، به همراه اسناد منطقه‌ای و موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان کشورها در زمینه نحوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲.۱. کنوانسیون‌های جهان‌شمول

کنوانسیون‌های اروپایی که جهان‌شمول شده‌اند و یا قابلیت تبدیل به کنوانسیون جهانی‌شمول را دارند، عبارتند از: آرهوس^۱ و اسپو^۲. این دو کنوانسیون در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۲.۱.۱. کنوانسیون آرهوس

کنوانسیون آرهوس در خصوص دسترسی به عدالت زیست‌محیطی توسط ۳۵ کشور عضو کمیسیون اقتصادی اروپایی^۳ در کنفرانس وزاری اروپا تحت عنوان «محیط زیست برای اروپا» در آرهوس و در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸ امضا گردید و در سال ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا شد. اتحادیه اروپا نیز این کنوانسیون را در سال ۲۰۰۵ به تصویب رساند. هرچند این کنوانسیون در سطح اروپا و در چهارچوب آیین‌ها و تشریفات سیاسی جهت همکاری‌های زیست‌محیطی در سطح اروپا مطرح گردید، لیکن این سند منحصر به منطقه اروپا نبوده و برای الحاق کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل - به شرط تصویب در جلسه اعضا - باز می‌باشد. این کنوانسیون اهمیت فراوانی در راستای حفاظت از محیط زیست و ارتقای حمایت از حقوق بشر دارد. در این راستا، کوفی عنان^۴ - دبیرکل وقت سازمان ملل متحد - این کنوانسیون را اقدام

1. Aarhus Convention

2. Espoo Convention

3. Economic Commission for European

4. Kofi Annan

بلندپروازانه‌ای در زمینه دموکراسی زیست‌محیطی، قلمداد نمود. در مجموع، این کنوانسیون به تحلیل و بررسی سه اصل کلی یعنی «حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی»، «مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی»، و «عدالت زیست‌محیطی» می‌پردازد. در این میان، مفهوم عدالت زیست‌محیطی به معنای حق دسترسی و توسل به مراجع اداری و قضایی در زمینه محیط زیست است؛ به گونه‌ای که در این کنوانسیون، استانداردهای حداقلی برای تحقق این اصل از جمله منصفانه بودن، به‌موقع بودن، گران نبودن، وجود جبران موثر و کافی، و در نهایت رسیدگی از سوی یک نهاد مستقل برای دعاوی مدنی نقض تعهدات زیست‌محیطی، در نظر گرفته شده است.^۱

همچنین، اگرچه این کنوانسیون به مساله محیط زیست به‌صورت کلی پرداخته، ولی نحوه همکاری در خصوص آب‌های مشترک را نیز می‌توان جزئی از این تعهدات تلقی نمود. به این ترتیب، اگر در خصوص آب‌های مشترک نیز سطح آگاهی‌های زیست‌محیطی افزایش یابد و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسایل زیست‌محیطی مشارکت صورت پذیرد، می‌توان میزان اختلافاتی را که در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک به‌وقوع می‌پیوندد، به حداقل میزان ممکن کاهش داد، و یا اختلافات زیست‌محیطی را با توسل به اصل عدالت زیست‌محیطی از طریق مراجع قضایی و داوری مناسب، مورد حل‌وفصل قرار داد.

۲.۱.۲. کنوانسیون ارزیابی آثار زیست محیطی فرامرزی (اسپو) مصوب سال ۱۹۹۱^۲

اعضای کنوانسیون اسپو در راستای تقویت همکاری در جهت ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی مرزی، توسعه سیاست‌های پیشگیرانه، و همچنین کاهش و نظارت بر آثار زیان‌بار زیست‌محیطی در محدوده مرزی اقدام می‌نمایند.^۳ نکات مهم این کنوانسیون درخصوص تاکید بر اصل اطلاع‌رسانی^۴، لزوم تهیه اسناد ارزیابی اثرات زیست‌محیطی^۵، تمرکز بر مذاکره میان طرفین^۶، و بالاخره، تصمیم‌گیری راجع به آثار زیست‌محیطی اقدامات^۷ می‌باشد.

۱. میرزایی، زهره (۱۳۹۹). تعهد به حفظ محیط زیست در کنوانسیون آرهوس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، به راهنمایی دکتر مریم افشاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، صص ۳۹-۴۲.

2. Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context (Espoo Convention), 1991.

3. For more information see: Cassar, A.Z. and Bruch, C.E. (2003). "Transboundary environmental impact assessment in international Watercourse management". New York University Environmental Law Journal, 12, 169 pages.

4. Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context (Espoo Convention), 1991, Article 3.

5. Ibid, Article 4

6. Ibid, Article 15

7. Ibid, Article 5

براساس ماده هفت این کنوانسیون، «اصل منع ورود آسیب» به منزله الزام برای هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون است که در یک پروژه مشارکت دارند؛ به‌ویژه اگر پروژه مذکور آثار زیست‌محیطی قابل‌توجهی به‌دنبال داشته و در مسیر آبی قرار گرفته باشد. در چنین مواردی، پیش از اجرای پروژه، می‌بایست پیامدهای زیست‌محیطی فرامرزی مد نظر قرار گیرد و در طول اجرای پروژه نیز نظارت مستمری درخصوص آثار زیست‌محیطی ناشی از پروژه تحقق پذیرد^۱. به نظر می‌رسد که در محتوا و مفهوم این ماده، علاوه بر اصل «منع ورود آسیب به دیگری»، اصل مهم «بهره‌بردار معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک» نیز نهفته است؛ زیرا در صورتی که مفاد ماده ۷ هفت تحقق یابد، زمینه بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی نیز توسط کشورها فراهم می‌شود.

یکی دیگر از مهمترین بخش‌ها و مواد این کنوانسیون، موضوع اطلاع‌رسانی کشورهای پایین‌دست از آسیب احتمالی، تهیه اسناد مربوط به ارزیابی آثار زیست‌محیطی، و مذاکره میان کشورهای درگیر است. می‌توان گفت که جهت اثربخشی بهتر این کنوانسیون، رویکرد آن «پایین به بالا» تنظیم شده است. به این مفهوم که به جای آنکه به دولت‌ها تعهدی را تحمیل کند، دولت‌ها خود را با توجه به ظرفیت‌های داخلی، متعهد به آن می‌دانند^۲. در حقیقت در این کنوانسیون به این نکته پرداخته شده که بومی‌سازی یک کنوانسیون بیش از صرف عضویت در آن، می‌تواند وافی به مقصود باشد. بنابراین، در صورتی که کشورها در ظرفیت حقوقی ملی خود، قوانین و مقرراتی را به تصویب برسانند که به موجب آنها ملزم باشند که ارزیابی صحیحی از آثار زیست‌محیطی فرامرزی اقدامات خود انجام دهند، به این ترتیب، منابع آبی و به‌ویژه آب‌های مشترک نیز که جزئی از محیط زیست تلقی می‌شوند، از کیفیت بهتری برخوردار می‌گردند و بهره‌برداری از آنها به نحو صحیح‌تر و منصفانه‌تری تحقق خواهد پذیرفت.

در مجموع می‌توان گفت که کنوانسیون اسپو از این قابلیت برخوردار است تا به کنوانسیون جهانی شمول تبدیل شود. این امر در صورتی امکان‌پذیر است که کشورها از مزایای پیوستن به این کنوانسیون آگاهی یابند و بر یکدیگر تاثیر گذارند تا هر یک - حتی به‌رغم عدم عضویت در این کنوانسیون - قوانین ملی خود را متناسب با آن به تصویب برسانند^۳ و به این ترتیب، با الحاق و بومی‌سازی مفاد این کنوانسیون، پایبندی بهتری نسبت به مفاد آن از خود بروز دهند و تضمین مناسبی برای بهبود کیفیت منابع آبی مشترک و بهره‌برداری از این منابع آبی فراهم گردد.

1. Ibid, Article 7.

۲. علی اوغلی، میان آبادی و مرید، پیشین، صص ۴.

۳. همان، ص ۵.

۲.۲. اسناد حقوقی حاکم بر حوضه‌های آبریز منطقه‌ای

در این قسمت از پژوهش، اسناد حقوقی حاکم بر حوضه‌های آبریز منطقه‌ای شامل کنوانسیون حفاظت از رودخانه دانوب مصوب سال ۱۹۹۴، کنوانسیون حفاظت از رودخانه راین مصوب سال ۱۹۹۹، دستورالعمل چهارچوب آب اتحادیه اروپا مصوب سال ۲۰۰۰ و مقرره‌های مرتبط با آن، و کنوانسیون حفاظت از محیط زیست شمال اروپا (نوردیک) مصوب سال ۱۹۷۴ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۲.۲.۱. کنوانسیون هلسینکی مصوب سال ۱۹۹۲

کنوانسیون حفاظت و بهره‌برداری از آبراهه‌های مرزی و دریاچه‌های بین‌المللی^۱ مصوب سال ۱۹۹۲ بر اساس قواعد هلسینکی و توسط کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اتحادیه اروپا تنظیم شده و طرفین را ملزم به تصویب موافقت‌نامه‌های مربوط به حوزه آب می‌کند. این طیف از موافقت‌نامه‌ها که براساس روح کنوانسیون مذکور منعقد شده‌اند، شامل معاهدات مربوط به حوضه دانوب^۲، اودر^۳، ماوس^۴ و شلد^۵، راین^۶، و مجموعه موافقت‌نامه‌های دوجانبه آب میان اسپانیا و پرتغال، و چندین کشور عضو شورای سابق می‌شود. این کنوانسیون در ابتدا برای کشورهای منطقه اروپا بود؛ ولی به تدریج آمادگی لازم را برای تمامی کشورها در عرصه بین‌المللی ایجاد نمود تا درخصوص نحوه تقسیم آب‌های مشترک از آن الگوبرداری نموده و اصل عدالت و انصاف را درخصوص تخصیص منابع آب مورد رعایت قرار داده و تمامی این اقدامات را با توجه به بوم‌سازگان (اکوسیستم) طبیعی انجام دهند^۷. به نظر می‌رسد که مفهوم عدالت و توزیع آب بر اساس بوم‌سازگان به این معنا باشد که نحوه تقسیم آب و سهم هر کشور باید با توجه به وضعیت برخورداری کشور مذکور از منابع آبی و جمعیت مستقر در آن صورت گیرد تا زمینه تحقق توزیع عادلانه منابع آبی فراهم گردد.

پس از تصویب قوانین هلسینکی در ۱۹۶۶ توسط انجمن حقوق بین‌الملل^۸، سازمان ملل در سال ۱۹۷۰ از کمیسیون حقوق بین‌الملل درخواست نمود تا با توجه به اینکه در قوانین هلسینکی اشاره‌ای به آب‌های زیرزمینی نشده، مجموعه‌ای از قوانین جامع مشابه قوانین هلسینکی را درخصوص منابع آبی

1. Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes

2. Danube

3. Oder

4. Meuse

5. Scheldt

6. Rhine

7. Baranyai, Gabor (2015). "Transboundary water cooperation in the European Union: a hydro-political gap assessment", (9 February 2022) at: www.Danubewaterquality.eu

8. International Law Association

مشترک تدوین نماید. در نهایت، کمیسیون مزبور در سال ۱۹۹۴ پیش‌نویسی طی ۳۳ ماده به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه داد. یک‌سال بعد، در ۱۹۹۷، مجمع عمومی سازمان ملل کنوانسیون مذکور را به تصویب رساند. این کنوانسیون، حقوق و وظایف هر یک از کشورهای سهمیم در آب‌های بین‌المللی مشترک را تعیین کرده و به‌صورت یک چتر قانونی جهانی، و به‌عنوان یک مکمل و پشتیبان در همکاری‌های آب‌های مرزی، عمل می‌کند.

همچنین، مواد پنج و هفت کنوانسیون استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبره‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد^۱ (کنوانسیون نیویورک) مصوب سال ۱۹۹۷ به اصول استفاده معقول و منصفانه و منع ورود آسیب اشاره نموده که مشابه مفاد آن در مواد ۲ و ۳ کنوانسیون سال ۱۹۹۲ نیز آمده است. طبق ماده دوم کنوانسیون «حفاظت و بهره‌برداری از آبراهه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی»^۲ دولت‌های عضو باید همه اقدامات مناسب را اتخاذ نمایند تا بهره‌برداری منصفانه و معقولی را از آبراهه‌های فرامرزی تحقق بخشند. به‌علاوه، طبق ماده پنج کنوانسیون نیویورک، کشورها با توجه به منافع کشورهای حاشیه آبراه و همچنین توسعه و نگهداری از آبراه ملزم می‌باشند تا از آبراه بین‌المللی مذکور به‌نحو «همسان» و «منطقی» بهره‌برداری نمایند. بر این اساس، بهره‌برداری کشورها از آبراه بین‌المللی به‌طور پیش‌فرض، همسان با یکدیگر است؛ اما با آمدن واژه «منطقی» این مفهوم به ذهن متبادر می‌گردد که ممکن است بنا به شرایطی چون جغرافیا، اقتصاد، و وضعیت بوم‌سازگانی (اکولوژیکی)، منافع کشورها به‌گونه‌ای اقتضا نماید که سهم بیشتر یا کمتری از میزان تساوی با سایرین را از آن خود نمایند. همچنین، اقداماتی که دولت‌ها در راستای نگهداری و حفاظت از آبراهه مذکور انجام می‌دهند، در میزان سهمی که از آبراه مورد نظر برخوردار می‌گردند، تاثیرگذار خواهد بود.

ماده ششم کنوانسیون سال ۱۹۹۷ نیز عوامل موثر در تعیین رژیم عادلانه و منصفانه را مقرر نموده که شامل مواردی چون عوامل جغرافیایی، اقلیمی، بوم‌سازگانی، نیازهای اجتماعی و اقتصادی کشورها، میزان وابستگی به آب، آثار بهره‌برداری از منابع آبی و بهره‌برداری‌های بالقوه و بالفعل می‌باشد. مشابه این ماده در ماده دوم کنوانسیون سال ۱۹۹۲ نیز مقرر شده است. در ماده هفتم این کنوانسیون نیز بهره‌برداری از آبراه بدون اعمال خسارت عمده به سایر کشورها و جبران خسارت وارده از طریق موافقتنامه‌های موجود و یا مذاکره، مقرر شده است.

بنا بر آنچه گفته شد، در چهارچوب حقوقی مذکور، بهره‌برداری کشورها بدون قیدوشرط و به‌طور

1. The Convention on the Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses, commonly referred to as the UN Watercourses Convention
2. The convention on the protection and use of transboundary watercourses and international lakes (UNECE) of 1992.

مطلق رها نشده است؛ بلکه این بهره‌برداری باید با شرط «عدم ایراد خسارت عمده به دیگر کشورها» باشد. ناگفته پیداست که واژه «عمده» در شرط مزبور نیز دال بر مفهوم عرفی آن دارد و هر نوع خسارتی را نمی‌توان به عنوان خسارت عمده تلقی نمود و از بهره‌برداری کشور یا کشورهای بهره‌مند به بهانه ورود خسارت عمده به غیر جلوگیری کرد؛ بلکه پیوسته، عرف در این موارد راهگشای مناسبی برای تشخیص است. در حقیقت در اینجا، به دلیل دشوار و زمان‌بر و هزینه‌بردار بودن جبران خسارت در قالب پرداخت غرامت، پیشگیری مقدم بر اخذ غرامت تلقی شده است.

به این ترتیب، این دو کنوانسیون در زمینه مدیریت حقوقی در نحوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک، همپوشانی‌های فراوانی با یکدیگر دارند. درحقیقت، در نتیجه تحلیل نظام‌مند مواد این دو کنوانسیون در چهارچوب منشور ملل متحد به عنوان سندی مادر برای جامعه بین‌المللی، می‌توان گفت که تمامی بهره‌برداری‌ها باید در راستای استفاده معقول و منصفانه با شرط «منع آسیب به غیر» باشد. برخی صاحب‌نظران مانند گزارشگر دوم کمیسیون حقوق بین‌الملل و بانک جهانی، نظریه «استفاده منصفانه»، و برخی دیگر مانند گزارشگر سوم کمیسیون حقوق بین‌الملل، شرط «منع آسیب به غیر» را در اولویت قرار داده‌اند.^۱ به نظر می‌رسد این امر، تزامنی میان «اصل مالکیت» بر آنچه که تحت سیطره قرار دارد و «اصل منع اضرار به دیگری» می‌باشد. به این معنی که از یک سو هر شخص مستحق برخورداری از حق مالکیت بر موضوع مورد مالکیت خواهد بود و از سوی دیگر، در این بهره‌برداری نمی‌تواند به دیگران آسیبی برساند که این موضوع درخصوص بهره‌برداری از رودخانه‌ها نیز مصداق می‌یابد.

در پایین این بخش باید این نکته را مد نظر داشت که این دو کنوانسیون، توسل به سازوکارهای داوری و قضایی را در اختلافات آب مورد پیش‌بینی قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که در فرض شکست مذاکرات، قضاوت و داوری اجباری را به جای اختیاری وضع نموده‌اند.^۲ به این ترتیب، در صورتی که طرف‌ها قادر به رسیدن به حل و فصل دوستانه اختلافات نباشند، باید اختلاف خود را به یک دیوان داوری دایمی یا ویژه، و یا یک دیوان بین‌المللی صلاحیت‌دار ارجاع دهند.

۲.۲.۲. کنوانسیون حفاظت از رودخانه دانوب مصوب سال ۱۹۹۴^۳

این کنوانسیون در راستای اهداف توسعه پایدار به مساله مهم بهره‌برداری از رودخانه دانوب شامل بهبود

۱. عطاری، جلال و آوریده، فریبا (۱۳۹۶). «بررسی تحلیلی قراردادهای آب‌های مرزی ایران با همسایگان». مطالعات حقوق

انرژی، ۳(۲)، صص ۳۰۸-۲۸۵، صص ۱۳۵ و ۱۳۶

2. The 1992 UNECE Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, Article 22.

3. Convention on cooperation for the protection and sustainable use of the Danube River (Danube river protection convention), 1994.

کیفیت آب و نحوه بهره‌برداری از این منبع آبی پرداخته و برای دستیابی به این امر، همکاری میان طرف‌ها را در جهت مدیریت بهینه منابع آبی مشترک مقرر داشته است.^۱ سپس، این کنوانسیون برای تحقق همکاری‌های چندجانبه میان کشورها، عواملی چون پیشگیری، کنترل و کاهش آثار فرامرزی مواد خطرناک^۲، انجام اقدامات خاص برای حفاظت از منابع آب^۳، طراحی برنامه‌های نظارتی^۴، انتشار اطلاعات به عموم^۵، طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های ارتباطی در جهت هشدار در مواقع اضطراری^۶، و ارایه کمک‌های متقابل کشورها به یکدیگر^۷ را مدنظر قرار داده که تمامی این همکاری‌های چندجانبه در راستای بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک و منع ورود آسیب به دیگری قرار دارند.

به این ترتیب، طرف‌ها با توجه ویژه به مدیریت بهینه کیفی آب و نحوه بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، براساس اصول برابری و رفتار متقابل می‌توانند موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه متعددی را با یکدیگر منعقد نمایند؛ به شرط آن که با اصول اساسی این کنوانسیون تطبیق داده شود.^۸

لازم به ذکر است که به رغم تمامی تدابیر موجود در این کنوانسیون برای پیشگیری از بروز اختلاف، در صورتی که طرف‌ها درخصوص موضوعی که مربوط به نحوه تفسیر و اجرای این کنوانسیون است، با یکدیگر نتوانند توافقی حاصل نمایند، اختلاف موجود را می‌توانند از طریق مذاکره و یا توسل به دیوان بین‌المللی دادگستری و یا داوری، مورد حل و فصل قرار دهند.^۹ بنابراین، با توجه به اصول احتیاط، مسئولیت، و به حداقل رسانی میزان استفاده از منابع، می‌توان مناسب‌ترین شیوه‌ها را به منظور به کارگیری راهبردها و اقدامات عملیاتی برای کنترل محیط زیست به کارگرفت تا به این ترتیب، ضمن بهبود کیفیت منابع آبی مشترک، زمینه بهره‌برداری معقول و منصفانه نیز برای کشورهای اطراف این کنوانسیون تحقق یابد^{۱۰} و در نتیجه بهره‌برداری از آب‌های مشترک به نحو صحیحی صورت پذیرد.

۳.۲.۲. کنوانسیون حفاظت از رودخانه راین مصوب سال ۱۹۹۹^{۱۱}

فحوای کنوانسیون حفاظت از رودخانه راین مصوب سال ۱۹۹۹، به لزوم بهبود کیفیت منابع آبی رودخانه

1. Ibid, Article 2.

2. Ibid, Article 5.

3. Ibid, Article 6.

4. Ibid, Article 9.

5. Ibid, Article 14.

6. Ibid, Article 16.

7. Ibid, Article 17.

8. Ibid, Article 21.

9. Ibid, Article 24.

10. Ibid, Annex 1, part 2.

11. Convention on the protection of the Rhine, 12 April 1999.

راین توسط کشورهای اروپایی پرداخته است.^۱ برای دستیابی به این هدف مهم در این سند حقوقی، اصولی چون اقدام پیشگیرانه، جبران خسارت، و تعهد به توسعه پایدار، مد نظر قرار گرفته شده است.^۲ به این ترتیب، برای دستیابی به اهداف مندرج در ماده سوم کنوانسیون از طریق اصول مندرج در ماده چهارم آن، اطراف این کنوانسیون تعهد می‌کنند که درخصوص اقدامات انجام‌شده در قلمرو سرزمینی خود برای حفاظت از رودخانه راین، اطلاع‌رسانی، همکاری، و مشارکت لازم را با یکدیگر داشته باشند.^۳ این همکاری‌ها می‌بایست از طریق کمیسیون مستقلی که از شخصیت حقوقی مستقل در خاک هر یک از اعضا برخوردار است، انجام گیرند.^۴ در نتیجه، کمیسیون مذکور از طریق مطالعه بوم‌سازگان (اکوسیستم) راین، برنامه‌هایی را در جهت بهبود کیفیت این رودخانه به اطراف معاهده ارایه می‌دهد و بازخورد کشورها را نیز مورد بررسی قرار داده و سپس برای اطلاع عموم مردم، منتشر می‌نماید.^۵ لازم به ذکر است که به‌رغم تمامی راه‌حل‌های مذکور برای تحقق همکاری، چنانچه اختلافی میان طرف‌های این کنوانسیون به‌وقوع بپیوندد، راهکار مذاکره و توسل به‌شیوه دآوری راهگشا خواهد بود.^۶

در مجموع، می‌توان گفت که این کنوانسیون که در سطح منطقه اروپا و با هدف بهبود کیفیت آب رودخانه راین و بهره‌برداری مناسب از منابع آن منعقد شده، با توجه ویژه به مولفه‌های مهم بهره‌برداری از آب‌های مشترک، حول اصولی همچون «منع ورود آسیب به دیگری» و «بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک» تدوین شده است.

۴.۲.۲. دستورالعمل چهارچوب آب اتحادیه اروپا مصوب سال ۲۰۰۰ و مقرره‌های مرتبط با آن

دستورالعمل چهارچوب آب اتحادیه اروپا، چهارچوبی قانونی برای حفاظت از حیات و سلامتی انسان در برابر آثار نامطلوب ناشی از هرگونه آلودگی آب مقرر می‌دارد. با لحاظ این هدف، این دستورالعمل باید دسترسی به آب باکیفیت را برای همه در اتحادیه بهبود بخشد. بر این اساس، کشورهای عضو متعهد شده‌اند تا اقدامات مناسبی را در جهت پیشگیری از آلودگی منابع آب شامل آب‌های داخلی و آب‌های مشترک، تدبیر نمایند. بنابراین، دولت‌ها در بهره‌برداری از آب‌های مشترک نیز باید به‌گونه‌ای اقدام نمایند

1. Ibid, Article 3.

2. Ibid, Article 4.

3. Ibid, Article 5.

4. Ibid, Article 6.

5. Ibid, Article 8.

6. Ibid, Article 16.

7. Directive 2000/60/EC of the European Parliament and the Council establishing a framework for Community action in the field of water policy (OJ L 327/1 of 22.12.2000), as amended by Decision 2455/2001/EC of the European Parliament and the Council establishing the list of priority substances in the field of water policy (OJ L 331/1 of 12.12.2001).

که منابع آبی را آلوده نمایند و به دیگری آسیبی وارد نکنند و به این ترتیب، زمینه بهره‌برداری معقول و منصفانه از این منابع را فراهم نمایند.

بر اساس ماده سوم این سند، مدیریت منابع آبی شیرین در اتحادیه اروپا مستلزم اتخاذ رویکردی یکپارچه در منطقه به همراه همکاری در مرزها در خصوص منابع آبی مشترک است. بنابراین، هر یک از دولت‌های عضو باید انجام ترتیبات اجرایی مناسبی را در سطح ملی و بین‌المللی، همراه با برنامه‌ریزی، تنظیمات هدفمند، و ارزیابی ریسک، تضمین نمایند.^۱ طبق این دستورالعمل، دولت‌ها حتی می‌توانند بخشی از اختیارات خود را به اتحادیه اروپا واگذار نمایند. به‌طور کلی، در چهارچوب این دستورالعمل، هر گونه اقدامات مقامات ذیصلاح – اعم از محلی، ملی، و یا در سطح اتحادیه – باید به گونه‌ای باشد تا به مدیریت موثر رودخانه‌ها منجر گردد؛^۲ زیرا هر یک از توافقات دو یا چندجانبه میان دولت‌های اروپایی ضمن استقلال باید اصول کلی حاکم بر اتحادیه اروپا را مورد رعایت و احترام قرار دهند و آن را نقض نکنند تا غایت نهایی یعنی «وحدت در عین کثرت» در سطح این اتحادیه برقرار گردد.

مولفه اساسی دیگر در این دستورالعمل درخصوص مدیریت منابع آب، تمرکز اساسی بر امر مشارکت عمومی است.^۳ بنا بر این سند، این موضوع منجر به بهبود فرایند تصمیم‌گیری می‌شود و یکی از جنبه‌های مهم مربوط به دموکراسی به‌نجوی مطلوب تامین می‌گردد.^۴ در این فرض، هر چه قدر میزان مشارکت آحاد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر باشد، میزان مشروعیت و مقبولیتی که حکومت نزد مردم می‌یابد، نیز بیشتر خواهد شد. به عبارت بهتر، اتحادیه اروپا یکی از مولفه‌های مهم در ارزیابی مدیریت بهینه منابع آبی شیرین و پیشرفت در این امر را منوط به میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به این امر می‌داند؛ زیرا در اتحادیه اروپا علاوه بر کمیسیون اروپایی، شهروندان خصوصی نیز می‌توانند پرونده‌ها را نزد دادگاه‌های ملی دولت‌های عضو، مطرح نمایند. بر این اساس، نظام حقوقی داخلی هر یک از کشورها باید تضمین نماید که شهروندان از حمایت کاملی که توسط نظام حقوقی اتحادیه اروپا پیشنهاد می‌گردد، منتفع می‌شوند. از این رو، به‌طور خاص وقتی که یک دستورالعمل، حقوق شهروندان را متذکر می‌شود، این حقوق باید در قانون داخلی الزام‌آور نیز مقرر گردد و شهروندان باید از امکان اقامه دعوا نزد دادگاه‌های ملی برخوردار باشند.

1. Green, Olivia o.; Garmestani, Ahjond S.; van Rijswick, Helena F.M.W. and Keessen, Andres (2013). "EU water governance: striking the right balance between regulatory flexibility and enforcement?". *Ecology and society*, 18 (2), pp. 10-1, p. 10.
2. European Commission (EC) (2007). "Communication from the commission to the European parliament and the council towards sustainable water management in the European Union", p. 17, (20 January 2024), at: <https://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=SEC:2007:0362:FIN:EN:HTML>
3. European commission (2022). "Questions and answers on new EU rules on surface water and groundwater pollution", P. 25, (3 February 2023), at: <https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/qanda>
4. Alexander, E.R. (2002). "The public interest in planning: from legitimation to substantive plan evaluation". *Planning theory*, 1(3), pp. 249-226, p. 43.

۵.۲.۲. کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست شمال اروپا (نوردیک) مصوب سال ۱۹۷۴

این کنوانسیون درصدد است تا از انجام فعالیت‌های مضر و ورود آسیب توسط هر یک از اعضا به دیگری برای حفظ محیط‌زیست پیشگیری نماید. به‌همین منظور، لزوم انعقاد موافقتنامه‌های خاص دو یا چندجانبه میان کشورهای متعاقد در این کنوانسیون مقرر شده است.^۱ همچنین، این فعالیت‌ها هنگامی مضر تلقی می‌گردند که تخلیه و ورود خاک، ضایعات ساختمانی و یا دیگر تاسیسات، زباله‌های جامد و یا مایع، گازها و یا مواد دیگر در انواع منابع آبی اعم از جوی‌های آب، دریاچه‌ها، و یا دریاها، مستلزم ایجاد مزاحمت برای محیط اطراف باشد.^۲ بر این اساس، اشخاص متضرر از این فعالیت‌های زیان‌بار حق دارند تا نزد یک دادگاه و یا مرجع اداری که برای این منظور پیش‌بینی شده، برای دریافت غرامت شکایت نمایند و در صورت لزوم، تصمیم دادگاه و یا مرجع اداری مذکور را مورد اعتراض قرار دهند.^۳

لازم به ذکر است که کنوانسیون زیست‌محیطی نوردیک، به‌طور کلی به مسایل زیست‌محیطی با آثار فرامرزی پرداخته است که البته از آنجا که تعهدی برابر را برای کشورهای درگیر قرار می‌دهد، می‌توان از آن نتیجه گرفت که «تعهد برابر»، «حقوق برابر» را نیز می‌آفریند که این امر در جهت اعمال اصل استفاده معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک می‌باشد.

۳.۲. موافقتنامه‌های حقوقی میان کشورهای اروپایی

در این قسمت از پژوهش، موافقتنامه میان نروژ و سوئد درخصوص پرسش‌های مشخص مربوط به حقوق آبراهه‌ها مصوب سال ۱۹۲۹، و نیز موافقتنامه میان فنلاند و سوئد درخصوص رودخانه‌های فرامرزی مصوب سال ۲۰۱۰، به‌عنوان نمونه‌ای از موافقتنامه‌های میان کشورهای اروپایی راجع به بهره‌برداری از آب‌های مشترک، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳.۲. موافقتنامه میان نروژ و سوئد درخصوص پرسش‌های مشخص مربوط به حقوق آبراهه‌ها

مصوب سال ۱۹۲۹

در سال ۱۹۰۵، اتحاد نروژ و سوئد به روشی مسالمت‌آمیز به پایان رسید. با این حال، طبق توافق منعقد، مقامات سوئد از این اختیار برخوردار بودند تا ادعا نمایند که نروژ اقداماتی را انجام داده که به استناد آن، می‌توان همکاری‌ها در قالب اتحادیه را مجدداً از سر گرفت. یکی از این ادعاها از سوی کشور سوئد این

1. The Nordic Environmental Protection Convention between Denmark, Finland, Norway and Sweden, 5 October 1976, Article 1.

2. Ibid, protocol.

3. Ibid, Article 3.

بود که هر یک از این دو کشور در صورت مخالفت کشور مقابل، باید از قانون گذاری در خصوص هر یک از آبراهه های مشترک خودداری ورزند. دلیل اصلی تقاضای سوئد، اهمیت اساسی رودخانه های مشترکی است که منافع تجاری قابل توجهی را به همراه دارد. با لحاظ این امر که سوئد کشوری در پایین دست رودخانه مرزی محسوب می شود، به تدریج این نیاز احساس شد تا مقامات نروژی تضمین نمایند که از ورود هرگونه آسیب به این منافع در امتداد مسیر رودخانه امتناع ورزند. بر این اساس، پیش نویس اولیه موافقتنامه میان نروژ و سوئد در خصوص حقوق آبراهه ها نخستین بار در سال ۱۹۰۵ به امضا رسید. در سال ۱۹۲۹، موافقتنامه سال ۱۹۰۵ با توافق نامه ای در مورد رویه های رسمی برای تنظیم جریان های آبی که بر کشور همسایه تاثیر می گذارد، تکمیل شد. به این ترتیب، موافقتنامه ۱۹۲۹ بین نروژ و سوئد در خصوص حقوق آبراهه ها به عنوان قدیمی ترین موافقتنامه نامبردار شده که هنوز نیز در اروپا معتبر است. این امر ممکن است دلیل محکمی بر این امر باشد که سوئد و نروژ از بسیاری از درگیری ها در قسمت بالادست و پایین دست آبراهه ها اجتناب ورزیده اند.^۱

به هر روی، این سند در صدد است تا کلیه مداخلات بشری در مسیرهای آبی نروژ - سوئد مانند عملیات سدسازی، ساخت و ساز، و یا حتی سرمایه گذاری را به گونه ای تنظیم نماید که منجر به تغییر محسوس و اساسی در مسیرهای آبی در قلمرو کشور دیگر با توجه به عمق، جهت، سطح، و یا مقدار آب نشود و همچنین انسداد در مسیر عبور آب ایجاد نکند. ایجاد این تکلیف برای کشورها مبین ممنوعیت ورود هرگونه آسیب توسط هر یک از این دو کشور به دیگری است که این امر تبعاً در بهره برداری از این آب ها توسط هر یک از دو کشور مذکور باید مورد رعایت و احترام قرار گیرد؛ زیرا نقض این مقررات به مفهوم نقض حقوق دیگری خواهد بود و این نقض، بهره مندی کمتری از منابع آبی را در پی خواهد داشت.

۲.۳.۲. موافقتنامه میان فنلاند و سوئد در خصوص رودخانه های فرامرزی مصوب سال ۲۰۱۰

این موافقتنامه در صدد است تا فرصت های برابری را برای هر دو طرف جهت بهره برداری از رودخانه های مشترک ایجاد نماید و از ورود هرگونه آسیب زیست محیطی جلوگیری نماید. در واقع، هدف از تدوین سند حقوقی مزبور آن است که به گونه ای از این منابع مشترک استفاده شود که ضمن بهره برداری پایدار، آن را برای نسل های آتی همچنان حفظ نماید.^۳ همچنین، در خصوص رودخانه های فرامرزی، هر یک از اطراف

1. Flem, B; Stalsberg, L and Seither, A. (2022). "Groundwater governance in international river basins-an analysis of the Norwegian-Swedish transborder area". *Journal of hydrology: regional studies*, 44, pp. 1-12, p. 5.
2. Law under the Convention between Norway and Sweden on Certain Questions Relating To Watercourse Law of May 11, 1929
3. Agreement between Finland and Sweden Concerning Transboundary Rivers, 1 October 2010, Article 2.

این سند از حق بر آب به طور برابر برخوردار خواهند بود. بر این اساس، این حق در مواردی که سهم بیشتری از آب در قلمرو یکی از اطراف معاهده جریان می‌یابد، نیز اعمال می‌گردد. البته این امر مانع از برخورداری بیشتر یک طرف تحت شرایط و قانون خاص و یا تصمیم دادگاه نخواهد بود؛ با این وصف که هیچ یک از بهره‌بردارانی‌های مذکور نباید منجر به ورود آسیب به دیگری گردد. طی این سند نیز، سازوکاری درونی میان دو کشور جهت مدیریت منابع آبی و حل و فصل احتمالی اختلافات، پیش‌بینی شده است. سازوکار مزبور به «کمیسون رودخانه‌ای فرامرزی میان سوئد و فنلاند»^۱ موسوم است.^۲ همچنین، برای هرگونه فعالیت یا اقدامی که در حوزه مدیریت آب ممکن است تأثیرات فرامرزی بر وضعیت یا استفاده از آب‌ها داشته باشد، مقررات مندرج در مواد ۱۶ تا ۲۱ این موافقتنامه به‌جای کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست شمال اروپا (نوردیک) منعقد شده توسط کشورهای نروژ، سوئد، فنلاند، و دانمارک در ۱۹ فوریه ۱۹۷۴، اعمال خواهد شد.^۳ حال، اگر یک دادگاه و یا مقام قانونی در کشوری دیگر در این خصوص بخواهد تصمیم‌گیری نماید، باید به‌گونه‌ای برخورد نماید که گویی موضوع مذکور در کشور خود به‌وقوع پیوسته است.^۴ به عبارت بهتر، اصل رفتار ملی توسط کشورها باید محترم شمرده شود.

همچنین، براساس بند نخست از ماده ۳ این موافقتنامه، طرف‌ها از حقی برابر برای بهره‌برداری از منابع آبی مشترک برخوردارند؛ مگر تصمیمی به‌موجب رای دادگاه یا دلایل تاریخی این برابری را تغییر دهد.^۵ حال، پرسشی که مطرح می‌گردد آن است که این برابری چه محدوده‌ای را دربرمی‌گیرد؟ بند دوم از ماده ۳ موافقتنامه مقرر می‌کند که دارنده حق، مستحق است تا از محدوده آبی ساحل برای ساخت‌وسازهای کوچک مانند اسکله استفاده نماید.^۶ همان‌طور که از متن این ماده برمی‌آید، حقوق کشور ساحلی به ساحل و فعالیت‌های عمرانی مربوط به ساحل نیز توسعه می‌یابد. ماده هفتم این موافقتنامه نیز مقرر می‌نماید که کشورهای ساحلی باید بر مجموعه‌ای از روابط نظارت داشته باشند.^۷ از تحلیل مجموعه این مواد این‌گونه برمی‌آید که محدوده برابری کشورها برای استفاده از حقوق به‌موارد مشخصی محدود نشده است. بنابراین، به مجموعه حجم آب و حتی ساحل نیز توسعه می‌یابد.

بنابراین، حق بهره‌برداری توسط هر یک از طرفین با شرط عدم ورود آسیب در این موافقتنامه لحاظ شده است. به‌رغم مطلب مذکور، این قاعده به‌موجب قانون خاص و یا تصمیم دادگاه براساس شرایط و اوضاع و احوال خاص، قابلیت تعدیل دارد که اصولاً این تصمیم مبتنی بر نیازهای کشورهای کشورها است و ممکن

1. Finnish-Swedish Transboundary River Commission

2. Ibid, Article 8, 10 and 11.

3. Ibid, Article 15.

4. Ibid, para 16.

5. Ibid, Article 3, paragraph 1.

6. Ibid, Article 3, paragraph 2.

7. Ibid, Article 7.

است در بازه زمانی معین و بنا به شرایطی خاص، یکی از دو کشور مذکور مستحق حقا به بیشتری باشد. بنابراین، در این سند، رویکرد «برابری» در کنار «نیازمحوری» با هم دیده شده است که می‌تواند الگویی مناسب در سایر اسناد و موافقتنامه‌ها نیز تلقی گردد.

در مجموع، با توجه به اسناد مورد بررسی در این بخش از پژوهش درمی‌یابیم که محیط چالش‌برانگیز ژئوپلیتیکی اتحادیه اروپا مستلزم انعقاد موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان کشورهای اروپایی است تا تمامی موارد چالش‌برانگیز را لحاظ نماید و از بروز هرگونه اختلاف پیشگیری نماید.^۱ به این وسیله، انعطاف فراوانی در پاسخگویی به تهدیدات جدی تحقق می‌یابد.

۳. آمریکا

در اینجا، کنوانسیون‌هایی که در سطح این قاره از ویژگی جهان‌شمول برخوردار شده‌اند، به همراه اسناد منطقه‌ای و موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان کشورها در زمینه نحوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۳.۱. کنوانسیون‌های جهان‌شمول

از آنجا که بر خلاف اتحادیه اروپا، قاره آمریکا در زمینه مدیریت منابع آبی مشترک از جامعیت و انسجام حقوقی برخوردار نیست، کنوانسیون وجود ندارد که انعقاد آن از این منطقه آغاز شده باشد و سپس با الحاق سایر کشورها، جنبه جهان‌شمول یافته باشد. به عبارت دیگر، در قاره آمریکا معاهده جامعی وجود ندارد که امکان الحاق سایر کشورها را فراهم نموده باشد و به کنوانسیون جهان‌شمول در این خصوص تبدیل شده باشد.

۳.۲. اسناد حقوقی حاکم بر حوزه‌های آبریز منطقه‌ای

در این بخش، اسناد حقوقی حاکم بر حوضه آبریز منطقه‌ای آمریکا شامل معاهده ریودو پلاتا مصوب ۳ آوریل ۱۹۶۹ و معاهده همکاری آمازون مصوب ۳ ژوئیه ۱۹۷۸ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۳.۲.۱. معاهده ریودو پلاتا مصوب ۳ آوریل ۱۹۶۹

این معاهده درصدد یکپارچه‌سازی آب‌های واقع در حوضه آبی پلاتا است تا میان کشورهای آرژانتین،

1. European Parliament resolution of 18 January 2023 on the implementation of the common foreign and security policy – annual report 2022 (2022/2048(INI))
2. The Rio de la Plata, 3 April 1969.
3. Treaty for Amazonian cooperation, Concluded at Brasflia, on 3 July 1978

بولیوی، برزیل، پاراگوئه، و اروگوئه به‌نحو منصفانه‌ای توزیع شود. اطراف این معاهده تعهد می‌کنند که در خصوص حوضه آبی پلاتا اسنادی قانونی و رویه‌هایی اجرایی را تصویب و تدوین نمایند تا به این طریق، دریانوردی موجود در منطقه تسهیل یابد و زمینه بهره‌برداری منطقی از این منابع آبی فراهم شود.^۱ این امر نشان می‌دهد که یکی از شیوه‌های تخصیص منابع آبی، تصویب اسناد و ایجاد رویه‌هایی عملی برای بهره‌برداری منطقی از منابع آبی است. معاهده حاضر، با تصریح واژه «بهره‌برداری منطقی»^۲ نیز درصدد بیان این نکته است که انصاف در تخصیص منابع آبی الزاما به مفهوم برابری و تساوی نیست؛ بلکه گاهی ممکن است نابرابری، هدف اصلی یعنی بهره‌برداری منطقی و در نتیجه انصاف را در تخصیص منابع آبی تامین نماید. بر این اساس، بهره‌برداری منطقی از منابع آبی با لحاظ عواملی چون نیازهای اساسی هر یک از کشورهای ذی‌نفع، پیشینه تاریخی، و جمعیت تعیین می‌شود.

همچنین، برای تحقق هماهنگی و هدایت فعالیت‌ها در این خصوص، کمیته هماهنگ‌کننده بین‌الدولی^۳ تاسیس شده است.^۴ این کمیته با پیدا کردن نقاط اشتراک و افتراق میان کشورهای ذی‌نفع، سعی در کاهش حداکثری تفاوت‌ها و افزایش حداکثری شباهت‌ها دارد.

در این راستا تهیه قراردادهای چهارچوب دو یا چندجانبه میان کشورهای همسایه یک حوضه آبخیز که منشأ انعقاد بسیاری از قراردادهای فرعی بعدی قرار می‌گیرند، نیز می‌تواند به‌عنوان راهکاری حقوقی مدنظر قرار گیرد. در واقع، از آنجا که مقوله حقوق آب می‌تواند ارتباط مستقیمی با پیشرفت تجاری و اقتصادی در هر یک از کشورهای واقع در یک حوضه آبی مشترک داشته باشد، بنابراین می‌توان انعقاد قرارداد توزیع بین‌المللی یا قرارداد چهارچوب را در این حوزه نیز کاربردی و اثربخش دانست. بر این اساس، این قرارداد، چهارچوب کلی و بستر روابط حقوقی طرفین/اطراف را برای آینده و در بازه زمانی طولانی‌مدت شکل می‌دهد که طی آن، مفاد و شرایط قراردادهای آینده، نحوه انعقاد و اجرای آنها، برنامه زمانبندی اجرای تعهدات، و تضمین اجرای آنها را نیز تعیین می‌کند^۵ و برای تمامی جنبه‌های اختلاف‌برانگیز، راهکاری حقوقی ارائه می‌نماید. به‌علاوه، در مراحل بعد، تصویب و تدوین اسناد و دستورالعمل‌ها و رویه‌ها به‌همراه تاسیس کمیته مشترک میان اعضا جهت بهره‌برداری معقول و منصفانه از این منابع، می‌تواند از روش‌های مناسب تخصیص منابع آبی مشترک به‌شمار آید.

1. Ibid, Article 1.

2. rational use

3. Intergovernmental Coordinating Committee.

4. Ibid, Article 2.

۵. شیروی، عبدالحسین و نیکویی، مرضیه (۱۳۹۶). «تحلیل ماهیت قرارداد توزیع بین‌المللی و وضعیت آن در نظام حقوقی

ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۸۴، صص ۷۰-۴۳، ص ۶۶.

۲.۲.۳. معاهده همکاری آمازون مصوب ۳ ژوئیه ۱۹۷۸

براساس این معاهده، کشورهای برزیل، بولیوی، کلمبیا، اکوادور، گيانا، پرو، سورینام، و ونزوئلا درصددند تا اقدامات مشترکی را برای توسعه یکپارچه سرزمین‌های آمازون از جمله منابع آبی مشترک مستقر در آن، فراهم نمایند. برای این منظور، لازم است تا مبادلات اطلاعاتی صحیحی میان کشورها جریان یابد و سپس، موافقتنامه‌ها و برنامه‌های عملیاتی مناسبی مورد تصویب و تدوین قرار گیرند.^۱ بر اساس معاهده همکاری مزبور، می‌بایست موافقتنامه‌های حقوقی و برنامه‌های عملیاتی این کشورها ضمن ایجاد محدودیت برای یکدیگر، قائل به آزادی برای یکدیگر نیز باشند. این آزادی که کشورها برای یکدیگر به‌عنوانی حقی غیرقابل‌انکار در بهره‌برداری از منابع موجود قائل هستند، تا جایی است که با مجموعه قواعد موجود در حقوق بین‌الملل، به‌ویژه قواعد مالی و امنیتی منافاتی نداشته باشد.^۲ به این ترتیب، در چهارچوب این معاهده نیز کشورها ضمن ایجاد محدودیت برای خود و دیگران در قالب انعقاد موافقتنامه‌ها و برنامه‌های عملیاتی، قائل به وجود آزادی برای خود و دیگران نیز می‌باشند که این آزادی مشروط به رعایت مجموعه قواعد موجود در حقوق بین‌الملل است که باید محترم شمرده شده و نقض نگردد. هدف کلی آن است که رعایت این سازوکار، منجر به بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک توسط کشورهای ذی‌نفع شود.

۳.۳. موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان کشورها

هر یک از کشورهای قاره آمریکا به‌دلیل اهمیت مقوله آب از جمله آب‌های فرامرزی، قوانینی را در حوزه منابع آبی مدون داشته‌اند.^۳ همچنین، برخی مقررات اجرایی توسط کشورهای مذکور در حوزه مدیریت منابع آبی به‌تصویب رسیده است. برای مثال، در سال ۲۰۱۲ رییس‌جمهور گواتمالا مقرره‌ای اجرایی در مورد جریان‌های آبی بین‌المللی به‌تصویب رساند که موجد مبنایی قرار گرفت تا بر اساس آن، قوه مجریه بتواند با کشورهای همسایه چون مکزیک، السالوادور، و هندوراس موافقتنامه‌هایی را منعقد نماید. بر اساس مصوبه مزبور، این مقرره نباید مغایر با قانون اساسی باشد و طی آن، دولت گواتمالا موظف است به تلاش‌های خود برای حفاظت، بازیابی، و حفظ منابع آب در راستای منافع عمومی ملی ادامه دهد و از اجرای کامل آن، پشتیبانی نماید. این سند درخصوص فرایند مذاکره میان دولت گواتمالا با سایر کشورها

1. Ibid, Article 1.

2. Ibid, Article 3.

3. Global water partnership (2016). "Integrated water resources management in Central America: the over-riding challenge of managing transboundary waters", p. 58, (4 June 2022) at: https://www.gwp.org/globalassets/global/toolbox/publications/technical-focus-papers/tfp_central_america.pdf

در حوزه مدیریت آب‌های مشترک ضوابطی را مقرر نموده که منشا تصویب موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان گواتمالا با سایر کشورها گردیده است. همچنین، براساس این مقرر چهار حکم کلی تعیین می‌گردد:

۱- براساس این مقرر، می‌بایست موافقتنامه‌های دو جانبه‌ای میان گواتمالا با سایر کشورهای همسایه برای بهره‌برداری از آب‌های مشترک انعقاد یابد.

۲- کلیه مذاکرات مربوط به آب‌های مشترک باید براساس موافقتنامه‌های دوجانبه تحقق پذیرد.

۳- لازم است تا در تمامی مذاکرات مربوط به آب‌های مشترک، رفع نیازهای ملی گواتمالا مورد توجه قرار گیرد.

۴- باید در تمامی مذاکرات مربوط به آب‌های مشترک، راهکارهایی برای جبران خسارات زیست‌محیطی مورد پیش‌بینی قرار گیرد.^۱

بنابراین، بر اساس این مقرر که منشا موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه متعددی قرار گرفته، کلیه مناسبات میان دولت گواتمالا با کشورهای همسایه درخصوص آب‌های مشترک تنظیم می‌شود. جالب آنکه در برخی دیگر از کشورهای قاره آمریکا نیز مقرره‌هایی با همین مضمون و محتوا منعقد شده است.

۴. آسیا

در این بخش از مقاله، انواع اسناد حقوقی (اعم از کنوانسیون‌های جهان‌شمول، اسناد منطقه‌ای، و موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه) منعقد شده میان کشورهای آسیایی در زمینه نحوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۴.۱. کنوانسیون‌های جهان‌شمول

در آسیا به دلیل عدم جامعیت و انسجام حقوقی در زمینه مدیریت منابع آبی مشترک، کنوانسیون‌های وجود ندارد که انعقاد آن از این منطقه آغاز شده باشد و سپس با الحاق سایر کشورها، جنبه جهان‌شمول یافته باشد. به عبارتی دیگر، در منطقه مزبور معاهده جامعی وجود ندارد که امکان الحاق سایر کشورها را فراهم نموده باشد و به کنوانسیون‌های جهان‌شمول در این خصوص تبدیل شده باشد.

۴.۲. اسناد حقوقی حاکم بر حوضه‌های آبریز منطقه‌ای

شاهد مثال این اسناد، موافقتنامه آلماتی مصوب ۱۹۹۲^۲ است. به موجب این موافقتنامه، جمهوری‌های

1. Ibid, p. 69.

2. The Agreement Almaty, 1992

استقلال یافته پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، سازمان‌های منطقه‌ای گوناگونی از جمله بنیاد بین‌المللی برای نجات دریای آرال در سال ۱۹۹۲، کمیسیون بین‌الدولی کشورهای آسیای مرکزی برای همکاری در زمینه آب در سال ۱۹۹۳، و شورای بین‌الدولی بستر دریاچه آرال در سال ۱۹۹۳ را تاسیس نمودند.^۱ این موافقتنامه‌ها، مقررات مفصلی را درخصوص بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، تبیین می‌دارند.

این موافقتنامه در سال ۱۹۹۲ میان جمهوری‌های قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، و ازبکستان، برای حل و فصل هماهنگ مسایل مربوط به منابع آبی مشترک و تاکید بر وابستگی متقابل منافع تمامی جمهوری‌ها در مواجهه با مساله بهره‌برداری از منابع آبی مورد تصویب قرار گرفت. یکپارچگی و وابستگی متقابل منافع جمهوری‌ها روشی برای پیشگیری از بروز تنش‌های بوم‌سازگانی (اکولوژیکی) در این موافقتنامه است.^۲ بنابراین، مبنای این موافقتنامه، وابستگی متقابل میان حقوق و منافع کشورهای عضو است که به این طریق هنگام هرگونه تفسیر درخصوص اختلافات مرتبط با حوزه منابع آبی مشترک، این نکته مهم باید مدنظر قرار گیرد.

طبق ماده یک سند مزبور، اطراف معاهده در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک دارای حقوق یکسانی هستند و کشورها در تضمین بهره‌برداری منطقی از این منابع دارای مسئولیت برابر نیز می‌باشند.^۳ بنابراین، در صورتی که اصل «تساوی» مورد رعایت قرار نگیرد، مسئولیت بین‌المللی برای کشورهای مربوطه پدید می‌آید.

طبق ماده سوم، کشورها باید از ورود آسیب به سایر اطراف معاهده و از هرگونه اقدامی که منجر به انحراف آب از حجم توافق شده برای هر یک گردد، اجتناب نمایند.^۴ به این ترتیب، علاوه بر اصل «تساوی» که در ماده قبل بیان شد، اصل «منع ورود آسیب به هر یک از کشورهای اطراف موافقتنامه» نیز باید مورد رعایت قرار گیرد.

طبق ماده پنج، تبادل اطلاعاتی گسترده میان اطراف معاهده در مورد پیشرفت‌های علمی و فنی مرتبط با مدیریت منابع آب، حفظ منابع آبی مشترک، و بهره‌برداری یکپارچه از آنها را تسهیل می‌نماید.^۵ بنابراین، تبادل اطلاعاتی میان اطراف موافقتنامه، معیار شکلی مناسبی برای مدیریت بهینه منابع آبی مشترک است.

1. MFAT (2018). "The History of IFAS Creation, Ministry of Foreign Affairs of Turkmenistan", (1 July 2023) at: <<https://www.mfa.gov.tm/en/articles/56?breadcrumbs=no&title=aral>>.

2. The Agreement Almaty, Op.cit, preamble.

3. Ibid, Article 1.

4. Ibid, Article 3.

5. Ibid, Article 5.

طبق ماده هفت، طرفین معاهده تصمیم گرفتند تا یک کمیسیون بین‌الدولی برای هماهنگی میان موضوعات متعدد مرتبط با آب‌های مشترک و نیز برای رسیدگی به مسایل مربوط به مقررات و بهره‌برداری منطقی از آنها، تاسیس نمایند.^۱ این نهاد کلیه امور مرتبط با مدیریت بهینه منابع آبی مشترک را هماهنگ می‌سازد.

طبق ماده هشت، کمیسیون مجاز است تا خط‌مشی آب را در منطقه تدوین نموده و دستورالعمل‌هایی کلیدی با لحاظ تمامی نیازهای مطرح در منطقه و بهره‌برداری یکپارچه و منطقی از منابع آب را به‌تصویب رساند.^۲ طبق این ماده، کمیسیون در تدوین دستورالعمل باید کلیه نیازهای موجود در منطقه و بهره‌برداری منطقی و یکپارچه از این منابع آبی را در نظر بگیرد.

طبق ماده ۱۱، تصمیمات اخذ شده توسط کمیسیون در خصوص سهمیه‌های هر یک از کشورها در ارتباط با منابع آبی مشترک و بهره‌برداری منطقی از آن منابع، الزام‌آور است.^۳ به این ترتیب، تصمیمات کمیسیون مذکور جنبه توصیه‌ای ندارد و کلیه کشورهای اطراف موافقتنامه باید از آن تبعیت نمایند.

طبق ماده ۱۳، کلیه اختلافات در حوزه بهره‌برداری از آب‌های مشترک توسط روسای آژانس‌های ملی آب با دخالت شخص ثالث تحقق می‌پذیرد.^۴ بنابراین، اختلافات مطرح در این حوزه در وهله نخست، با مذاکره حل‌وفصل می‌شود. در صورتی که نتیجه مطلوب حاصل نشود، روسای آژانس‌های ملی آب با دخالت شخص ثالث، اختلاف مورد نظر را مورد حل‌وفصل قرار می‌دهند که تصمیمات آنها لازم‌الرعایه خواهد بود. همان‌طور که ملاحظه شد در این موافقتنامه، تاسیس کمیسیون بین‌الدولی، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات از جمله به‌روشن مذاکره، تخصیص منابع آبی به‌شیوه تساوی و تناسب، توجه به نیازهای اساسی و حیاتی هر یک از کشورها، و اصل منع ورود آسیب به دیگری مورد توجه قرار گرفته است.

۳.۴. موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان کشورها

در اینجا مصادیقی از موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان کشورهای واقع در منطقه آسیا در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۴.۱. موافقتنامه همکاری برای توسعه پایدار حوضه رود مکونگ ۱۹۹۵

طبق مفاد این موافقتنامه و در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار، بهره‌برداری از آب رودخانه مکونگ

1. Ibid, Article 7.

2. Ibid, Article 8.

3. Ibid, Article 11.

4. Ibid, Article 13.

5. Agreement on the Cooperation for The Sustainable Development of the Mekong River Basin, 5apr 1995.

باید به گونه‌ای باشد که طرف‌ها (نظیر کشورهای چین، میانمار، لائوس، تایلند، کامبوج، و ویتنام) از ورود هرگونه آسیب به محیط‌زیست خودداری ورزند؛ به گونه‌ای که در نتیجه بهره‌برداری از این منابع آبی، ضمن حفظ تعادل بوم‌سازگانی (اکولوژیکی) و نیز حفظ محیط‌زیست آبیان، آلودگی‌های زیست‌محیطی به حداقل میزان ممکن تقلیل یابد.^۱ به این ترتیب، دولت‌ها مکلفند تا تمام تلاش خود را برای حفظ محیط‌زیست و به‌ویژه کیفیت و کمیت آب و به حداقل‌رسانی آثار زیان‌بار ناشی از استفاده از منابع آبی رودخانه مکونگ انجام دهند.^۲ همچنین، برای تحقق بهره‌برداری معقول و منصفانه، دولت‌ها باید در برابر خساراتی که به محیط‌زیست وارد می‌کنند، مسئول شناخته شوند و تعهد به سازوکارهای نهادی همچون «کمیسیون رودخانه مکونگ» مورد توجه قرار گیرد؛ تا به این وسیله، اختلاف ناشی از نحوه استفاده از منابع آبی مشترک به این طریق مورد بررسی و سپس حل‌وفصل قرار گیرد.^۳ بنابراین، این موافقتنامه درصدد است حتی‌الامکان از بروز اختلاف پیشگیری نموده و یا در صورت وقوع، اختلاف مذکور را به شیوه‌ای دوستانه و مسالمت‌آمیز و با رعایت این موافقتنامه، مورد حل‌وفصل قرار دهد.

۲.۳.۴. موافقتنامه میان جمهوری قرقیزستان و جمهوری قزاقستان در خصوص بهره‌برداری از منابع آبی نارین سیردریا در سال ۲۰۰۰^۴

جمهوری‌های قرقیزستان و قزاقستان، درخصوص داشتن یک نظام حقوقی هماهنگ برای مدیریت بهینه منابع آب، با یکدیگر توافق حاصل نمودند^۵ که طبق آن، مقرر شد تا در کلیه برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات برای تخصیص منابع آبی مشترک از جمله انعقاد دیگر موافقتنامه‌های حقوقی ذیل موافقتنامه اصلی و نیز تشکیل جلسات کاری مرتبط، اصل «تساوی» را مدنظر قرار دهند.^۶ باید توجه داشت که اگرچه همکاری هنگامی می‌تواند موثر و کارآمد باشد که موافقتنامه‌ای حقوقی در این خصوص منعقد شده باشد؛ اما گاهی انعقاد یک موافقتنامه نیز به‌تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بلکه برای اجرای موافقتنامه مذکور، طرفین مستلزم موافقتنامه‌ای دیگر می‌باشند؛^۷ زیرا گاهی اجرای یک موافقتنامه، مقدمه‌ای است برای اجرای موافقتنامه‌ای دیگر. حتی در سطحی ضعیف‌تر از موافقتنامه‌های حقوقی، در

1. Ibid, Article 1 and 3.

2. Ibid, Article 7.

3. Ibid, Article 11.

4. Agreement between The Government of the Republic of Kazakhstan and The Government of the Kyrgyz Republic On the Use of Water and Energy Resources of the Naryn – Syr Darya Cascade of Reservoirs in 2000

5. Ibid, preamble

6. Ibid, Article 1.

7. Ibid, Article 9.

صورتی که در خصوص موضوعات مرتبط با آب‌های مشترک جلسات کاری برگزار شود، جلسات مذکور می‌توانند تا حدی به پیش رفتن هر چه بهتر و بیشتر مسایل و موضوعات مرتبط با آب‌های مشترک کمک نمایند.^۱ بر این اساس، این موافقتنامه نیز با عینیت حقوقی بخشیدن به بحث همکاری در حوزه آب‌های مشترک، اصل تساوی میان طرف‌ها را برای تخصیص منابع آبی، اصلی مسلم دانسته است. در مجموع، ملاحظه شد که در این موافقتنامه، اصل تساوی، انعقاد موافقتنامه‌های حقوقی، و تشکیل جلسات کاری برای تخصیص منابع آبی مشترک در مرکز توجه واقع شده است؛ اما انتقاد وارده آن است که در این سند حقوقی، تمرکز صرفاً بر روی اصل تساوی است؛ در حالی که گاهی ممکن است نیازهای حیاتی و یا وجود تکالیف سنگین‌تر برای یکی از طرفین موافقتنامه، دلیلی برای لزوم زیادتی حقوق یکی از طرفین بر دیگری در نظر گرفته شود که این امر کاملاً با اصل انصاف نیز سازگار می‌باشد؛ زیرا انصاف همیشه به مفهوم حقوق متساوی نیست؛ بلکه گاهی به مفهوم داشتن حقوق، متناسب با سطح تکالیف و یا وضعیت جغرافیایی، سیاسی، انسانی، و حتی تاریخی است.

۳.۳.۴. موافقتنامه منعقد میان جمهوری‌های قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در مورد فعالیت‌های مشترک در رسیدگی به دریاچه آرال، بهبود محیط زیست، و پایداری توسعه اجتماعی و اقتصادی این منطقه^۲

جمهوری‌های قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، و ازبکستان با در نظر گرفتن منافع متقابل هر یک از اعضا در زمینه بهره‌برداری و حفاظت از منابع آبی مشترک دریاچه آرال، موافقتنامه‌ای چندجانبه منعقد ساخته‌اند.^۳ پیشگیری از ورود آلاینده‌ها به منابع آبی مشترک و حفظ کیفیت آب از جمله مواردی است که کشورهای عضو این موافقتنامه پیش از مساله تخصیص منابع آبی مشترک به آن پرداخته‌اند؛^۴ زیرا بهبود کیفیت منابع آبی مشترک تا حدود زیادی منجر به حفظ حجم آب و در نتیجه بهره‌برداری مطلوب‌تر از منابع آبی خواهد گردید.

کشورهای عضو بر اساس اصل برابری تصمیم گرفتند تا شورای بین‌الدولی را در حوزه مسایل آبی مرتبط با دریاچه آرال تاسیس نمایند که تحت نظارت و کنترل این شورا، کمیته اجرایی، کمیسیون توسعه اجتماعی و اقتصادی مرتبط با حوزه‌های علمی، فنی و زیست‌محیطی، و کمیسیون بین‌الدولی برای

1. Ibid, Article 10.

2. Agreement between Republic of Kazakhstan, Kyrgyz Republic, Republic of Tajikistan, Turkmenistan, and Republic of Uzbekistan on joint activities in addressing the Aral Sea and the zone around the Sea crisis, improving the environment, and enduring the social and economic development of the Aral Sea region, 18 February 1992.

3. Ibid, Preamble.

4. Ibid, Article 1.

هماهنگی تمامی مسایل مربوط به آب‌های مشترک فعالیت نماید.^۱ به این ترتیب، تاسیس نهادهای مشترک به همکاری برابر میان اعضا در حوزه آب‌های مشترک، عینیت بخشیده است. در این موافقتنامه بیش از هر چیز بر بهبود کیفیت منابع آب تاکید شده و سپس، تاسیس نهادهای مشترک برای عینیت بخشیدن به همکاری میان اعضا برای برخورداری از حقوق برابر، مورد توجه قرار گرفته است. البته باید گفت که در این موافقتنامه در خصوص نحوه بهره‌برداری منطقی از منابع آبی مشترک پس از تخصیص این منابع، خلا قانونی وجود دارد.

۵. آفریقا

در این قسمت از مقاله، کنوانسیون‌هایی که در سطح این قاره از ویژگی جهان‌شمول برخوردار شده‌اند، به همراه اسناد منطقه‌ای و موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه میان کشورها در زمینه نحوه بهره‌برداری از آب‌های مشترک، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۵.۱. کنوانسیون‌های جهان‌شمول

در آفریقا به دلیل عدم جامعیت و انسجام حقوقی در زمینه مدیریت منابع آبی مشترک، کنوانسیون‌های وجود ندارد که انعقاد آن از این منطقه آغاز شده باشد و سپس با الحاق سایر کشورها جنبه جهان‌شمول یافته باشد. در واقع، قاره آفریقا پیوسته از تشتت اسناد حقوقی در زمینه بهره‌برداری از آب‌های مشترک رنج برده است؛ به گونه‌ای که فقدان یک معاهده جامع در این زمینه به عنوان یک خلا حقوقی مهم در نظام حقوقی موجود در این منطقه، خودنمایی می‌کند.

۵.۲. اسناد حقوقی حاکم بر حوضه‌های آبریز منطقه‌ای

در این بخش، اسناد حقوقی حاکم بر حوضه‌های آبریز منطقه‌ای آفریقا شامل معاهده جامعه توسعه کشورهای جنوب آفریقا (معاهده سادک^۲)، کنوانسیون باماکو^۳، و موافقتنامه زامکام^۴ مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵.۲.۱. معاهده جامعه توسعه کشورهای جنوب آفریقا (معاهده سادک)^۵

ازجمله اسناد حقوقی در منطقه آفریقا، معاهده جامعه توسعه کشورهای جنوب قاره آفریقا (معاهده سادک

1. Ibid, Article 2.

2. SADC Treaty

3. Bamako convention

4. Zamcom Agreement

5. Treaty of the Southern African Development Community (SADC Treaty)

(۱۹۹۲) و پروتکل بازنگری شده سال ۲۰۰۰ درخصوص آبراهه‌های مشترک^۱ می‌باشد. معاهده سادک درصدد اجرای برنامه‌هایی در قلمروهای مختلف از جمله حمل‌ونقل، ارتباطات، غذا، کشاورزی و منابع طبیعی، مدیریت منابع آب، و انرژی است.^۲ معاهده سادک ۱۹۹۲ اعضای خود را ملزم می‌کند تا دعاوی بین‌المللی آب را به‌طور دوستانه و از طریق مذاکره، حل‌وفصل نمایند. در صورت عدم موفقیت مذاکرات، اختلاف را می‌توان نزد «دیوان سادک» مورد طرح قرار داد. این دیوان به منظور تضمین اجرا و تفسیر صحیح مندرجات مقرر در معاهده سادک و رسیدگی به اختلافاتی که ممکن است به آن ارجاع گردد، تاسیس شده است.^۳ بنابراین، این دیوان صلاحیت رسیدگی به اختلافاتی را دارد که مربوط به تفسیر، اجرا، و اعتبار معاهده سادک و پروتکل‌های آن است.^۴ بر این اساس، دیوان سادک به کلیه اختلافاتی رسیدگی می‌کند که میان دولت‌ها با یکدیگر، دولت با اشخاص حقیقی و حقوقی، و دولت با جامعه^۵ به‌وقوع می‌پیوندد^۶ و به این ترتیب مربوط به رسیدگی‌های ترافیعی می‌باشد.

۵.۲.۲. کنوانسیون باماگو

رودخانه سنگال دومین رودخانه مهم غرب آفریقا پس از نیجر می‌باشد. به‌منظور مدیریت حقوقی بهتر این رودخانه، کنوانسیون باماگو^۷ میان سه کشور مالی، موریتانی، و سنگال در سال ۱۹۶۳ منعقد شد. این کنوانسیون موجبات تاسیس نهادی تحت عنوان «کمیته بین‌الدولی» را فراهم نمود. هر گونه تصمیم‌گیری در این کمیته به صورت اتفاق‌آرا است؛ به‌گونه‌ای که هر یک از کشورها دارای حق وتو می‌باشند.^۸ بر این اساس، کشورهای عضو باید آثار فرامرزی اقدامات زیست‌محیطی خود را بر محیط‌های طبیعی و انسانی مورد ارزیابی قرار دهند^۹ و در این راستا، موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه منعقد نمایند؛ به‌گونه‌ای که این موافقتنامه‌ها به لحاظ قدرت الزام، همسنگ کنوانسیون مذکور قرار گیرند.^{۱۰} همچنین،

1. Treaty of the Southern African Development Community (SADC Treaty), 28 August 1995 and Revised Protocol on Shared Watercourses, August 2000.

۲. بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی. تهران: انتشارات مجد، ص ۸۶۴.

3. SADC Treaty, Art 16 (1).

4. SADC Tribunal Protocol, Art 14.

5. SADC Tribunal Protocol, Arts 15-17.

۶. سواری، حسن و مبینی، احمدرضا (۱۴۰۰). حقوق بین‌الملل آب‌های شیرین. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۳۰۴.

7. Bamako convention, 25 May 1963.

8. Mbengue, Makane Moïse (2014). "A Model for African Shared Water Resources: The Senegal River Legal System". *Review of European Community & International Environmental Law (RECIEL)*, 23 (1), pp. 66-59, pp. 59 and 60.

9. Ibid, Article 10.

10. Ibid, Article 11.

این کشورها باید نهادی موقتی^۱ تاسیس کنند تا نهاد مذکور، قواعد و شیوه‌هایی را در زمینه مسئولیت پرداخت غرامت در برابر خسارات ناشی از مواد خطرناک فرامرزی، مقرر نماید.^۲ از این رو، به موجب این کنوانسیون، موافقتنامه‌ها و نهادهایی جانبی میان کشورهای واقع در این حوزه منعقد شده که به مدیریت بهینه رودخانه سنگال به عنوان رودخانه‌ای فرامرزی، جامه عمل می‌پوشاند.

۵.۲.۳. معاهده زامکام^۳

رودخانه زامبزی^۴ چهارمین رودخانه بزرگ آفریقا به شمار می‌رود. این رودخانه در ساحل هشت کشور ساحلی به نام‌های آنگولا، بوتسوانا، مالاوی، موزامبیک، نامیبیا، تانزانیا، زامبیا، و زیمبابوه قرار دارد.^۵ آغاز همکاری‌های فرامرزی درخصوص رودخانه زامبزی به دوران استعمار باز می‌گردد که سازمان رودخانه زامبزی^۶ با مسئولیت مشترک زامبیا و زیمبابوه به عنوان مهم‌ترین کشورهای ساحلی این رودخانه، تاسیس شد.^۷ هدف اصلی این سازمان دستیابی حداکثری به مزایای طبیعی آب رودخانه زامبزی به منظور توسعه اقتصادی، صنعتی، و اجتماعی دو کشور و نیز بهبود وضعیت آب جهت تولید انرژی، مقرر گردید.^۸ این سازمان بر عملیات مشترک سد کاریا نیز متمرکز بود و مسئولیت تخصیص آب به هر دو کشور مذکور را بر عهده داشت.^۹ سند موسس این سازمان، موافقتنامه سازمان رودخانه زامبزی است که هیچ سازوکاری به منظور حل و فصل اختلاف ارایه نمی‌دهد. فقط ماده ۳۲ این موافقتنامه تصریح می‌کند که اختلافات میان طرفین باید به یک داور یا هیات داوری یا کمیسیونی که توسط طرفین تشکیل شده، واگذار شود. آرای داوری نیز برای طرفین الزام‌آور است.^{۱۰} به دلیل موثر نبودن سازمان رودخانه زامبزی و موافقتنامه موسس آن، زمینه برای تصویب و تاسیس معاهده و سازمانی دیگر درخصوص مدیریت منابع آب در رودخانه زامبزی فراهم گردید.

در ماه مه ۱۹۸۷، دولت‌های بوتسوانا، موزامبیک، تانزانیا، زامبیا، و زیمبابوه برنامه اقدام برای مدیریت سالم زیست‌محیطی نظام رودخانه مشترک زامبزی را در قالب معاهده زامکام تصویب کردند که این امر

1. Ad hoc Organ

2. Ibid, Article 12.

3. ZAMCOM Agreement, 2004.

4. Zambezi river

5. Schumann, Waltina and Neubert, Susanne (2006). *Transboundary water management in Africa*, German: German development institute, p. 33.

6. The Zambezi River Authority (ZRA)

7. Schumann and Neubert, Op.cit, p. 35.

8. ZRA Agreement, (1987), preamble.

9. Ibid. annexes I and II on Articles 22, 23.

10. Scheumann and Neubert, Op.cit, 42.

زمینه تاسیس سازمان زامکام را نیز فراهم کرد. سپس سه کشور آنگولا، مالاوی، و نامیبیا نیز به آن ملحق شدند.^۱ طبق معاهده مذکور، کشورهای عضو خود را به اصول متعددی از جمله توسعه پایدار^۲، استفاده پایدار^۳، پیشگیری از ورود آسیب^۴، احتیاط^۵، انصاف بین نسلی^۶، ارزیابی تأثیرات فرامرزی^۷، همکاری^۸، و استفاده معقول و منصفانه^۹ متعهد ساخته‌اند.^{۱۰}

این معاهده به صراحت تعهد به حل و فصل اختلافات مرتبط با آب و پیشگیری از اختلافات را بر عهده دارد. ماده پنجم معاهده مذکور مقرر می‌کند که طرف‌ها باید جهت اجتناب از اختلافات و مساعدت در جهت حل و فصل اختلافات موجود، اقداماتی به عمل آورند. همچنین، ماده ۲۱ این معاهده، روشی به منظور حل و فصل اختلافات تعیین می‌نماید؛ به طوری که طرفین اختلاف ابتدا متعهد به مذاکره و مشاوره با حسن نیت هستند. طبق ماده ۱۶ معاهده مذکور نیز در صورت بروز اختلاف میان کشورهای عضو بنا به درخواست هر یک از آنها کشورها باید وارد مذاکره و رایزنی شوند و تحقیقات تخصصی توسط کمیسیون حقیقت‌یاب آغاز گردد.^{۱۱} به علاوه، براساس معاهده زامکام، کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که عموم مردم در منطقه‌ای که تحت تأثیر یک برنامه، طرح، و یا فعالیت پیشنهادی قرار می‌گیرند، از برنامه و اقدامات مذکور مطلع می‌شوند و فرصت اظهارنظر یا اعتراض در مورد آن را می‌یابند.^{۱۲} اگر از این طریق هیچ‌گونه توافقی حاصل نشود، می‌توان اختلاف مزبور را در جامعه توسعه جنوب آفریقا (سادک)^{۱۳} مطرح کرد. همچنین، اختلافات میان سازمان زامکام و یکی از کشورهای عضو نیز در این مرجع مطرح می‌گردد. لازم به ذکر است که هر یک از کشورهای عضو باید درخصوص هرگونه فعالیت، طرح، و یا عملیات در خصوص مسیر آب رودخانه به دبیرخانه کمیسیون گزارش دهند.^{۱۴}

در مجموع می‌توان گفت که معاهده زامکام بر خلاف موافقتنامه موسس سازمان رودخانه زامبزی، جنبه‌های متعددی از مساله حل و فصل اختلاف در این خصوص را لحاظ کرده و برای آنها راهکارهایی حقوقی ارائه نموده است.

1. Ibid. Art. 39
2. Sustainable Development
3. Sustainable Utilization
4. Prevention of Harm
5. Precaution
6. Intergenerational Equity
7. Assessment of Trans Frontier Impacts
8. Cooperation
9. Equitable and Reasonable Utilization
10. Ibid. at 28.
11. ZRA Agreement, (1987), Article 16.
12. Zamkom Agreement, (2011), Article 16
13. Southern Africa Development Community (SADC)
14. Scheumann and Neubert, Op.cit, p. 42.

۵.۳. موافقتنامه‌های حقوقی میان کشورها

در این قسمت سه مورد از موافقتنامه‌های دوجانبه به‌عنوان نمونه‌هایی درخصوص بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

۵.۳.۱. موافقتنامه دوجانبه میان نامیبیا و آفریقای جنوبی در خصوص مدیریت منابع آبی رودخانه اورنج^۱

از سال ۱۸۹۰، رودخانه اورنج، مرز میان دو کشور جمهوری آفریقای جنوبی و نامیبیا را تشکیل می‌دهد. طبق موافقتنامه‌ای میان این دو کشور مقرر شده بود که نامیبیا می‌تواند از حق دسترسی مستقیم نسبت به این رودخانه برخوردار باشد؛ ولی این تعهد مورد نقض قرار گرفت^۲. به‌منظور حل‌وفصل اختلافات میان این دو کشور درخصوص نحوه تخصیص آب این رودخانه، «طرح آبی سرزمین‌های بلند لسوتو»^۳ پایه‌گذاری شد و کشور آفریقای جنوبی، قسمت عمده‌ای از هزینه تاسیس این نهاد را تامین مالی نمود. این طرح درصدد است تا در جریان فرایند انتقال آب و تولید انرژی، توسعه کشورها را در نظر بگیرد و آن را تحقق بخشد. سند موسس این نهاد یک موافقتنامه دوجانبه میان دو کشور نامیبیا و آفریقای جنوبی مصوب اکتبر ۱۹۸۶ بوده است^۴ که در پی این امر، هر یک از دو کشور عضو، سازمان اجرایی مستقلی را تاسیس کردند. در لسوتو «مقام توسعه سرزمین‌های بلند لسوتو»^۵ و در جمهوری آفریقای جنوبی «مقام تی سی تی»^۶ بر ساختار و عملیات نظام مذکور و نیز مدیریت مالی و اعتباری آن نظارت دارند^۷. نهاد ویژه این طرح که به‌طور خاص به مساله حل‌وفصل اختلاف می‌پردازد، «کمیسیون آبی سرزمین‌های بلند لسوتو»^۸ است^۹. اگر اختلافی میان دو طرف در این خصوص ایجاد گردد که از طریق مذاکره قابل حل‌وفصل نباشد، این نهاد توسط یک هیات داوری، اختلاف مذکور را مورد حل‌وفصل قرار می‌دهد؛ با این شرط که هیات مذکور به‌صورت موقتی^{۱۰} ایجاد شود. این هیات داوری متشکل از سه عضو است که به‌دلیل رعایت اصل انصاف و عدالت در جریان رسیدگی‌های داوری، هیچ یک از آنها جزو اطراف معاهده مذکور نیستند. اگر اعضای هیات داوری به توافق نایل نشوند، نظر رییس این کمیسیون، تعیین‌کننده خواهد بود^{۱۰}.

1. Bilateral agreement between Namibia and South Africa regarding the Orange River, October 2011.
2. Turton, A.R; Meissner, R; Mampane, P.M. and Seremo, O. (2004). *A hydro political history of South Africa's international river basins*. Pretoria: water research commission, 2at 99-100.
3. The Lesotho Highlands Water Project (LHWP)
4. Ibid, p. 274
5. The Lesotho Highlands Development Authority (LHDA)
6. LHWP Treaty, (1986), Articles 7 and 8.
7. Lesotho Highlands Water Commission (LHWC)
8. Ibid. Article 16
9. ad hoc
10. Ibid. Articles 16, (15) (b)

بنابراین، با انعقاد موافقتنامه دو جانبه مورد بحث، زمینه تاسیس نهادهی برای حل و فصل اختلاف میان دو کشور از منطقه آفریقا به شیوه داوری فراهم گردیده که این امر، مختص مناقشات مطرح در حوزه رودخانه مشترک میان دو کشور نامیبیا و آفریقای جنوبی است.

۵.۳.۲. موافقتنامه و پروتکل در خصوص نحوه مدیریت منابع آبی دریاچه ویکتوریا

در پنجم اوت ۱۹۹۴، سه کشور تانزانیا، اوگاندا، و کنیا موافقتنامه‌ای را در خصوص مدیریت محیط‌زیست دریاچه ویکتوریا^۱ منعقد ساختند. اقدامات عملیاتی مربوط به این موافقتنامه در سال ۱۹۹۷ آغاز شد که هدف اصلی آن، مواردی همچون مدیریت و کنترل منابع آبی، بهبود وضعیت شیلات، نظارت بر کیفیت منابع آب، مدیریت آب‌های شهری و صنعتی، و حفظ تنوع زیستی می‌باشد. در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۳ سه کشور مذکور، «پروتکل توسعه مداوم دریاچه ویکتوریا^۲» و «کمیسیون دریاچه ویکتوریا^۳» را نیز تصویب و تاسیس کردند. این پروتکل، توانمندی‌های کلی کمیسیون شامل حمایت و هماهنگی میان عوامل مختلف در زمینه توسعه دریاچه ویکتوریا را مقرر می‌دارد^۴. همچنین، این پروتکل در پی ترفیع رشد اقتصادی منصفانه، کاهش فقر، مدیریت منابع طبیعی، حفاظت از محیط‌زیست، و تطبیق با امنیت ناوبری است. بر اساس مجموعه‌ای از این اسناد، برای دستیابی به پاسخ مساله تسهیم منافع باید مجموعه‌ای از شرایط طبیعی، اقلیمی، روابط سیاسی و اقتصادی، و نیز شرایط قانونی، اداری، و فرهنگی را لحاظ نمود^۵. به این ترتیب، به منظور مدیریت بهینه دریاچه ویکتوریا باید به شرایط گوناگون موجود در میان هر یک از کشورهای دی‌نفع توجه داشت.

۵.۳.۳. موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه در خصوص مدیریت منابع آبی رودخانه نیل

آثار زیان‌بار ناشی از احداث سد بزرگ نوزایی (رنسانس) اتیوپی^۶ بر رودخانه نیل، مساله تخصیص منابع آب‌های فرامرزی در کشورهای ساحلی این رودخانه از جمله مصر را تشدید کرده است. پیرو این امر، توجه کشورهای ساحلی مزبور به مطالعه در خصوص مشکلات مربوط به آب‌های فرامرزی در سراسر جهان معطوف شده^۷ تا موثرترین روش‌ها را در برابر مشکلات مطرح در حوزه کمبود منابع آب و تخصیص آن در کشورهای حوضه آبخیز، بیابند.

1. Lake Victoria Environmental Management Project (LVEMP).
2. Protocol on the sustainable development of the Lake Victoria Basin, (2003).
3. Lake Victoria Basin Commission (LVBC).
4. Mngube, F. (2005). "Lake Victoria", Interview per E-Mail, p. 2.
5. Scheumann and Neubert, Op.cit, p. 148.
6. The Grand Ethiopian Renaissance Dam (GERD)
7. Ashour, Mohamed A.; Aly, Tawab E. and Abueleyon, Haitham M. (2019). "Transboundary water resources, a comparative study: The lessons learnt to help solve the Nile basin water conflict". *Limnol. Rev*, 19 (1), pp. 14-3, p. 3.

برای مثال، موافقتنامه چهارچوب همکاری در حوضه رودخانه نیل^۱ نخستین سندی است که مساله تخصیص آبهای رودخانه نیل را مد نظر قرار داده^۲ و بهره‌برداری منصفانه از حوضه رودخانه مشترک نیل را راهی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، تلقی نموده است. همچنین، تاسیس نهادی معاهداتی، از دستاوردهای معتبر این موافقتنامه است. این نهاد در صدد حل‌وفصل اختلافات در چهارچوبی اساسی، قانونی، و دایمی به‌روش مذاکره است.^۳

مثالی دیگر در این خصوص، موافقتنامه میان جمهوری سودان و جمهوری متحده عربی درخصوص بهره‌برداری از آبهای نیل^۴ است. بر این اساس، هزینه‌های مرتبط با مساله مدیریت بهینه این آبهای مشترک میان دو جمهوری باید به‌نحو برابر تقسیم شود. به این ترتیب تکلیف برابر، حقوق برابر را نیز برای طرفین ایجاد خواهد کرد. همچنین با توجه به این موافقتنامه، به‌منظور ایفای بهتر تکالیف و احقاق بهتر حقوق، کمیسیون فنی مشترک دایمی میان طرفین به‌عنوان نهادی عملیاتی و نظارتی تاسیس شد تا کلیه اختلافات میان طرفین را از طریق مذاکره در چهارچوب این کمیسیون و با میانجی‌گری دولتی بی‌طرف حل‌وفصل نماید. بر این اساس، اگر مذاکرات به نتیجه‌ای منطقی منتهی شوند، کمیسیون باید مقدمات لازم را برای تصویب موافقتنامه‌های دوجانبه میان طرفین فراهم نماید.

در مجموع، برای دستیابی به شیوه‌ای منصفانه جهت تخصیص آبهای رودخانه نیل، موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه فراوانی میان کشورهای واقع در حوضه رودخانه نیل به‌همراه سازوکارهای حقوقی به مرحله انعقاد رسیده است. همچنین، تجربه مهمی که از رویکرد تقنینی در آفریقا به‌دست آمده، آن است که موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه باید با موافقت کلیه کشورهای ذی‌نفع منعقد گردند و گرنه چه بسا به موفقیت نخواهند رسید. به‌عنوان یک نمونه ناموفق، انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، در موضوع انتقال آبهای نیل به رژیم اسرائیل موافقت سایر دولت‌های ذی‌نفع یعنی سودان، اتیوپی، و اوگاندا را اخذ نکرده بود.^۵ اگرچه این تجربه ناظر بر موافقتنامه‌های حقوقی در خصوص رودخانه‌های نیل است، اما درباره سایر رودخانه‌های مشترک نیز می‌تواند مصداق یابد و قابل تعمیم باشد.

1. The Nile basin cooperative framework agreement, October 2023.
2. Mason, S.A. (2004). *From Conflict to Cooperation in the Nile Basin*. Swiss: Swiss Federal Institute of technology, p. 201.
3. Zeleke Mekonnen, Dereje (2010). "The Nile Basin Cooperative Framework Agreement Negotiations and the Adoption of a 'Water Security' Paradigm: Flight into Obscurity or a Logical Cul-de-sac?". *The European Journal of International Law*, 21(2), 440-421, p. 421.
4. Agreement between the republic of the Sudan and the United Arab Republic for the full utilization of the Nile waters, 8 November 1959.

۵. موسوی، سید فضل الله (۱۳۸۹). *حقوق رودخانه‌های بین‌المللی*. تهران: نشر دادگستر، ص ۶۹.

۶. نتیجه‌گیری

بهره‌برداری از آب‌های فرامرزی به‌عنوان یکی از منابع مشترک میان کشورهای ذی‌نفع ممکن است منجر به وقوع نزاع و اختلاف شود. مطالعه اسناد حقوقی موجود در سطوح منطقه‌ای به ما کمک می‌کند تا راهکارهایی را در این خصوص بیابیم و بتوانیم اصول و قواعدی را ارایه نماییم.

در این خصوص، اتحادیه اروپا به‌دلیل دارا بودن معاهدات و موافقتنامه‌های متعدد و منابع آبی مشترک فراوان، بسیار حایز اهمیت است. مطالعه اسناد موجود در این منطقه حاکی از این مطلب مهم است که در اتحادیه اروپا رویکرد یکپارچگی نسبت به منابع آبی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که تمامی منابع موجود را به‌مثابه یک منبع واحد تلقی می‌کنند. این امر از تشتت تصمیم‌گیری‌ها نسبت به این منابع پیشگیری می‌کند.

در مقابل، در آفریقا به‌رغم منابع آبی مشترک متعدد بلااستفاده، هنوز نمی‌توان معاهده جامعی را در خصوص مدیریت حقوقی منابع آبی مشترک نام برد. این امر می‌تواند به‌عنوان یک خلا حقوقی مهم در این منطقه به‌شمار آید. برای حل این معضل، اسناد و نهادهای آبی متعددی در این منطقه تدوین و تاسیس شده که راهکار اتفاق‌آرا را به‌منظور رفع اختلافات و یا به حداقل‌رسانی میزان اختلافات، به‌وجود آورده است. این راهکارها اگرچه متعدّدند و گاهی ممکن است تشتت آرا ایجاد نمایند؛ اما وجود آنها از نبود آنها بسی مهم‌تر است.

در اسناد حقوقی آسیایی، حجمی از منابع آب به جریان‌های بوم‌سازگانی (اکولوژیکی) اختصاص یافته، و بدین ترتیب، قانون‌گذار، قداست فراوانی برای طبیعت به‌عنوان ذی‌نفع اصلی تمامی این چالش‌ها و کشمکش‌ها قایل شده است. در این رویکرد، می‌بایست یکایک اعضای جامعه بین‌المللی، آسیب به طبیعت را به‌مثابه آسیب به خود تلقی نموده و در صورت بروز صدمه و هرگونه ورود خسارت، بتوانند اقدام به طرح دعوا نمایند.

در آمریکای شمالی نیز مدیریت حقوقی منابع آبی مشترک از موفقیت فراوانی برخوردار بوده و در آمریکای لاتین نیز به‌دلیل وجود منابع آبی فراوان و جمعیت کم، قسمت عمده‌ای از این منابع بلااستفاده مانده‌اند و میزان سرانه آب موجود در این منطقه فراوان است. در این راستا، قرارداد چهارچوب آب که منشا تصویب موافقتنامه‌های فراوانی شده، به‌عنوان راهکاری جامع برای حل معضل مربوط به قراردادنویسی در عرصه مربوط به بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، تلقی گردیده است.

به‌رغم تمامی این نکات به‌عنوان نوآوری‌های مشخص برای هر یک از این مناطق، همچنان با مطالعه اسناد در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای درمی‌یابیم که کارکرد منطقه‌ای اسناد، وجود ندارد. همه این اسناد حول محور دو اصل مهم «منع ورود زیان» و اصل «استفاده معقول و منصفانه» قرار می‌گیرند؛ زیرا اسناد مذکور متضمن اصول کلی حقوق بین‌الملل هستند و به لحاظ مبانی و اصول، متفاوت با

یکدیگر نیستند. این هماهنگی و یکسان بودن اسناد به لحاظ مبانی و اصول، دال بر پیروی تمامی مناطق مهم و عمده جهان از مبانی و اصول حقوق بین الملل می باشد که این امر به هدف اصلی، یعنی حل و فصل اختلافات به طریق مسالمت آمیز و یا حتی به حداقل رسانی میزان اختلافات، بسیار نزدیک است.

منابع و مآخذ

۱. فارسی

الف) کتب

۱. بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۹). حقوق سازمان های بین المللی، تهران، انتشارات مجد.
۲. سواری، حسن و مبینی، احمد رضا (۱۴۰۰). حقوق بین الملل آب های شیرین، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۳. موسوی، سید فضل الله (۱۳۸۹). حقوق رودخانه های بین المللی، تهران: نشر دادگستر.

ب) مقالات

۴. شیروی، عبدالحسین و نیکویی، مرضیه (۱۳۹۶). «تحلیل ماهیت قرارداد توزیع بین المللی و وضعیت آن در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸۴، صص ۶۶-۷۰.

ج) همایش های داخلی

۵. علی اوغلی، سیمین؛ میان آبادی، حجت و مرید، سعید (۱۳۹۷). «کنوانسیون ارزیابی اثرات زیست محیطی فرامرزی (اسپو)». سیزدهمین همایش ملی علوم و مهندسی آب خیزداری ایران و سومین همایش ملی صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست دانشگاه محقق اردبیلی.

د) رساله

۶. میرزایی، زهره (۱۳۹۹). «تعهد به حفظ محیط زیست در کنوانسیون آرهوس»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، به راهنمایی دکتر مریم افشاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، صص ۳۹-۴۲.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Mason, S.A. (2004). *From Conflict to Cooperation in the Nile Basin*, Swiss, Swiss Federal Institute of technology.
2. Scheumann, Waltina and Neubert, Susanne (2006). *Transboundary water management in Africa*, German, German development institute.

3. Turton, A.R; Meissner, R; Mampane, P.M. and Seremo, O. (2004). *A hydro political history of South Africa's international river basins*. Pretoria: water research commission.

B) Articles

4. Alexander, E.R. (2002). "The public interest in planning: from legitimation to substantive plan evaluation", *Planning theory*, 1(3), pp. 249-226.
5. Cassar, A.Z. and Bruch, C.E. (2003). "Transboundary environmental impact assessment in international Watercourse management", *New York University Environmental Law Journal*, 12, 169 pages.
6. Flem, B; Stalsberg, L and Seither, A. (2022). "Groundwater governance in international river basins-an analysis of the Norwegian-Swedish transborder area", *Journal of hydrology: regional studies*, 44, pp. 1-12.
7. Green, Olivia o.; Garmestani, Ahjond S.; van Rijswijk, Helena F.M.W. and Keessen, Andres (2013). "EU water governance: striking the right balance between regulatory flexibility and enforcement?", *Ecology and society*, 18 (2), pp. 10-1.
8. Mbengue, Makane Moïse (2014). "A Model for African Shared Water Resources: The Senegal River Legal System". *Review of European Community & International Environmental Law (RECIEL)*, 23 (1), pp. 66-59.
- ⁹ Zeleke Mekonnen, Dereje (2010). "The Nile Basin Cooperative Framework Agreement Negotiations and the Adoption of a 'Water Security' Paradigm: Flight into Obscurity or a Logical Cul-de-sac?". *The European Journal of International Law*, 21(2), 440-421.

C) Online Resources

10. European commission (2022). "Questions and answers on new EU rules on surface water and groundwater pollution", (3 February 2023), at: <https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/qanda>
11. European Commission (EC) (2007). "Communication from the commission to the European parliament and the council towards sustainable water management in the European Union", (20 January 2024), at:
12. Global water partnership (2016). "Integrated water resources management in Central America: the over-riding challenge of managing transboundary waters", (4 June 2022) at: https://www.gwp.org/globalassets/global/toolbox/publications/technical-focus-papers/tfp_central_america.pdf
13. MFAT (2018). "The History of IFAS Creation, Ministry of Foreign Affairs of Turkmenistan", (1 July 2023) at: <https://www.mfa.gov.tm/en/articles/56?breadcrumbs=no&title=aral>.

D) Documents

14. Agreement between Finland and Sweden Concerning Transboundary Rivers, 1 October 2010.
15. Agreement between Republic of Kazakhstan, Kyrgyz Republic, Republic of Tajikistan, Turkmenistan, and Republic of Uzbekistan on joint activities in addressing the Aral Sea and the zone around the Sea crisis, improving the environment, and enduring the social and economic development of the Aral Sea region, 18 February 1992.

16. Agreement between The Government of the Republic of Kazakhstan and The Government of the Kyrgyz Republic On the Use of Water and Energy Resources of the Naryn – Syr Darya Cascade of Reservoirs in 2000
17. Agreement between the republic of the Sudan and the United Arab Republic for the full utilization of the Nile waters, 8 November 1959.
18. Agreement On the Cooperation for The Sustainable Development of the Mekong River Basin, 5apr 1995.
19. Bamako convention, 25 May 1963.
20. Bilateral agreement between Namibia and South Africa regarding the Orange River, October 2011.
21. Convention on cooperation for the protection and sustainable use of the Danube River (Danube river protection convention), 1994.
22. Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context (Espoo Convention), 1991
23. Convention on the protection of the Rhine, 12 April 1999.
24. Directive 2000/60/EC of the European Parliament and the Council establishing a framework for Community action in the field of water policy (OJ L 327/1 of 22.12.2000), as amended by Decision 2455/2001/EC of the European Parliament and the Council establishing the list of priority substances in the field of water policy (OJ L 331/1 of 12.12.2001).
25. European Parliament resolution of 18 January 2023 on the implementation of the common foreign and security policy – annual report 2022 ([2022/2048\(INI\)](#))
26. Law under the Convention between Norway and Sweden on Certain Questions Relating to Watercourse Law of May 11, 1929
27. LHWP Treaty, (1986).
28. Protocol on the sustainable development of the Lake Victoria Basin, (2003).
29. The Agreement Almaty, 1992
30. The Nile basin cooperative framework agreement, October 2023.
31. The Nordic Environmental Protection Convention between Denmark, Finland, Norway and Sweden, 5 October 1976.
32. The Rio de la Plata, 3 April 1969.
33. Treaty for Amazonian cooperation, Concluded at Brasflia, on 3 July 1978
34. Treaty of the Southern African Development Community (SADC Treaty), 28 August 1995 and Revised Protocol on Shared Watercourses, & August 2000.
35. Treaty of the Southern African Development Community (SADC Treaty), 28 August 1995 and Revised Protocol on Shared Watercourses, August 2000.
36. Zamcom Agreement, 2004.
37. ZRA Agreement, (1987).

E) Others

38. Mngube, F. (2005). “Lake Victoria”, Interview per E-Mail.